

راه توده

نشریه انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۱۳ خرداد ۱۳۱۲ مطابق ۱۹ شهریور ۱۴۰۳ و ۳ روزه ۱۹۸۳
 شماره اول شماره ۳۲
 بیسما ۶۰۰ ریسال

فراخوان کمیته برون مرزی حزب توده ایران پیش به سوی تشکیل جبهه متحد خلق!

مسلمانان مبارز!

نیروهایی صادق دگم را نسیبید پیش!
 کارگران، دهقانان، زحمتکشان شهر و ده، روشنفکران انقلابی، زنان و مردان میهن دوست!
 روی سخن ما شماست!

با روی گرداندن تسلیم طلبان و ماسائگران از اهداف اولیه انقلاب و پشت کردن به منافع زحمتکشان شهر و دولا به های پائینی اقلتار متوسط و روشنفکران انقلابی، کودتای خونین ضد انقلاب و راستگرایان با موفقیت های چشمگیری روبرو شده و به مواضع تعیین کنند های در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران دست یافته است. وضع جدیدی بوجود آمده که وظایف جدید و مبرمی را در مقابل انقلاب و انقلابیون راستین قرار می دهد. در صورت پیروزی نهائی کودتای خونین در میهن ما، یک دوران آریامهری "اسلامی" با فشاری دو چندان ایجاد خواهد شد. باید هرچه سریعتر به این روند جنایتکارانه، ایست داد و آن را باز پس برانند.

بقیه در صفحه ۴

این شیوه ناجوانمردانه علامت ضعف است!

این روزها که در ایران سنگ ها را بستند و سنگ ها را باز گذاشتند، روزنامه های نیست، که علیه حزب توده، ایران، حزب طبقه کارگر ایران ننویسد، راد یوشی نیست، که به این وظیفه "مقدس" خود عمل نکند و "سخنوری نیست، که در این باره داد سخن نراند! هیچ زمینهای را برای نوشتن و گفتن علیه حزب ما فراموشی-کنند. عریده می کشند و فحاشی می کنند و برخورد "جدی" ! هم کف برلب آمده نوحه سرائسی می کنند و هم با نقل قول از کتابها و نشریات حزب ما به "رد" نظریات و یا "افشا" نظریات ما می پردازند! وجه خود را در این هنرنمایی های "شاه" آنه مطمئن و پیروز می پندارند!

ولی نه، مردم به شما باور ندارند، مردم هرروز بیشتر به وعده شکنی شما، به ناجوانمردی شما به ضعف شما پی می برند!

می پرسید، چسرا؟ پاسخ روشن است!

مردم می پرسند، شما که اینقدر به حرفهای خود باور دارید و نظریات حزب توده، ایران را غیرصادقانه و مزورانه می دانستید، پس چسرا آنوقت که حزب توده، ایران امکان پاسخ داشت در مورد آن نوطه سکوت را برقرار کردید؟ چرا آن روزها که حزب توده، ایران از زمین دبیر اولش در مناظره تلویزیونی با شهید بهشتی پیشنهاد برگزاری یک دادگاه و بررسی بقیه در صفحه ۲

بیانیه مطبوعاتی حزب کمونیست عراق

افراد جلال طالبانی و مزدوران حزب بعث به مقر سرفرماندهی و مواضع نظامی نیروهای حزب کمونیست عراق حمله نمودند. این حمله بزدلانه بدنبال بجزاران شدید مواضع حزب توسط مزدوران بعثی صورت گرفت. پارتیزانهای حزب قهرمانان در مقابل این تجاوز جنگیدند، اگرچه از نظر تعداد نفرات خیلی کمتر از حمله کنندگان بودند. گزارشهای رسیده حاکی از آن است که ده ها نفر خصوصاً پارتیزانهای زن و کودکان در این جنایت از بین رفته اند. از آنجائی که مزدوران حتی به زخمی ها هم رحم نکردند.

جبهه دمکراتیک و میهنی عراق در اعلامیه خود شدیداً این حمله وحشیانه را محکوم نموده بقیه در صفحه ۱۶

روز اول ماه مه ۱۹۸۳ دستا جلال طالبانی (اتحادیه میهنی کردستان) با همکاری نیروهای فاشیستی حزب بعث عراق، حمله مسلحانه وسیعی را علیه مواضع حزب کمونیست عراق در کردستان عراق آغاز کردند.

جبهه دمکراتیک میهنی عراق در اعلامیه خود در این مورد اعلام کرد که حزب کمونیست و دیگر نیروهای متحد میهنی کردیه سختی این خائنین و همکاران رژیم فاشیستی را تشبیه خواهند کرد. بدنبال چندین دیدار و رفت و آمد بیسن گروهک جلال طالبانی و نمایندگان رژیم فاشیستی که در روزنامه های جهان انعکاس یافت (تایمز ۱۴ آوریل ۱۹۸۳)، در اول ماه مه ۱۹۸۳ یک نیروی عظیم (پیش از دو هزار نفر) از

موج پشتیبانی بین المللی از حزب توده ایران هر روز ابعاد بیشتری بخود می گیرد

* شکنجه زندانیان سیاسی در ایران به تشریح موقعیت سیاه جانهای حکومت ج ۱۰۱۰ و وضع وخیم زندانیان تودهای پرداخته می نویسد: "آنها کسی که جانشان بر اثر شکنجه های وحشتناک اصال شده، در معرض خطر مرگ قرار گرفته است، به اماکن نامعلومی منتقل میشوند. و در این اماکن نیز بطور سیستماتیک شکنجه ها ادامه دارد. یکی از متدهای جاری شکنجه، قرار دادن سرو پای زندانی درون لاستیک ماشین، برای چندین ساعت متوالی می باشد. بسیاری از زندانیانی که این نوع شکنجه در مورد آنان اصال شده، دچار اختلال حواس گردیده و به نواقطی که مخصوص نگهداری بیماران روانی می باشد، منتقل شده اند."

گسترش موج همبستگی نیروهای مترقی و دمکراتیک در سراسر جهان با حزب توده ایران و دفاع از زندانیان در بند و تلاش برای حفظ جان آنها، که تا بحال شکل اعزام هیئت و درخواست از دولت جمهوری اسلامی برای سفر به ایران بعنوان ناظرین بیطرف جهت ملاقات با زندانیان تودهای و شرکت در دادگاههای ظنی این رفتار، به سفارتخانه های ایران در کشورهای گوناگون و ارسال نامه به مقامات جمهوری اسلامی و درخواست آزادی فوری و بلا تئید و شرط این میهن پرستان ابعاد تازه ای به خود گرفته است.

● روزنامه "اومانته" ارگان حزب کمونیست فرانسه بتاريخ ۱۳ ماه مه در مقاله ای تحت عنوان

بقیه در صفحه ۳

کارگران، دهقانان، جوانان و روشنفکران انقلابی برای دفاع از دستاوردهای انقلاب به صفوف حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران پیوندید!

این شیوه‌نا جوانمردانه علامت ضعف است!

بقیه از صفحه ۱

فعالیت حزب توده ایران را کرد، تن نداید؟
چرا دستهای از شما قانون شکنانه یورش به دفتر حزب توده ایران را سازمان دادید و دست دیگر، ماشاگرانه قانون شکنی را تحمل کردید؟ چرا؟ چرا؟ چرا شما که مدعی هستید منطق دارید، حاضر نشدید با حزب توده ایران، آنوقت که فقط سگ‌ها آزاد نبودند به جدل فکری در روزنامه‌هایتان و سخنپراکنی‌هایتان بپردازید؟ مردم پاسخ سؤالی‌های خود را هم گرفته‌اند، از اعمال شما، از ناجوانمردی‌ها و وعده‌شکنی -

هایتان؛
شما تسلیم شدگان به راستگرایان و خدا انقلاب، به خودتان و حرفتان مطمئن نیستید!

اکنون هم از اعتماد بنفس محرومید. در غیر اینصورت از زبان دادستان کل انقلاب نمی‌گفتید که: محاکمه بعضی‌ها علنی و بعضی‌ها مخفی انجام خواهد شد و یا اگر خود آنها خواستار جلسه غیر علنی شوند، دادگاه غیرعلنی خواهد بود. (روزنامه‌ها ۱۲/۲/۲۹) تا دستتان برای نابود کردن قربانیانتان باز باشد. شما ناجوانمردانه و جنایتکارانه با شکنجه -

های روانی و جسمی و خوردن داروهای ساختگی پرداخته. لابراتوارهای "سیا" و اینتلجنت سرویس و موساد و بدست فرد و دستهای ساواکسی به خیال خود "اعترافات" گرفتید تا دستتان ناپاک خود را تطهیر کنید و مردم را تحقیر ولسی بنا به گفته رئیس سپاه پاسداران این شمره شکنجه‌تان، که بی‌اعتمادی مردم رو برود داشته تنها "دلایل" شما علیه حزب توده ایران و رهبران و اعضا و هواداران آن از آب درآمد. شما ناجوانمردانه و مزورانه بخشی از رهبران و اعضا و فعالین حزب توده ایران را سر به نیست کرده‌اید و بخش آنها را همانند زمان شاه به دریاچه نمک قمار انداخته‌اید. و با از آنها وحشت دارید، تا در یک دادگاه علنی و با حضور ناظران بین‌المللی مشت شما، جنایت‌ها و خیانتتان را به انقلاب افشا کنند!

آری این است، طت فیحف شما:

ته اعتقاد به نفس‌داری و نه مدرک دادگاه‌هاست! در غیر اینصورت چرا به گروه‌های پزشکی و حقوق دانان بی‌طرفی که آمادگی خود را برای مسافرت به ایران و ملاقات با زندانیان اعلام کرده‌اند اجازه مسافرت به ایران که خواست قانونی کمیته بین‌المللی دفاع از زندانیان توده‌ای و دمکرات‌های ایرانی نیز است، نمی‌دهید؟

چرا شما که هر روز خبرنگاران را برای نشان دادن نتایج جنایات رژیم صدام دعوت می‌کنید، از بازدید جنایات خود توسط همین خبرنگاران وحشت دارید؟

چرا قانون را اجرا نمی‌کنید؟ چرا اسامی زندانیان را اعلام نمی‌کنید؟ چرا دادگاه علنی و قانونی با حضور ناظران بیطرف بین‌المللی را برای همه زندانیان برگزار نمی‌کنید؟ این سؤالات را مردم از شما دارند و پاسخ مثبت ندادنتان را به آنها علامت ضعف و دلیل شیوه جنایتکارانه شما می‌دانند! نفس مردم به آنهایی که مجبورند برای "اثبات حقیقت خود" سنگ‌ها را ببندند پاورندارند! آنها با این شیوه در زمان رژیم شاه به اندازه کافی آشنا شده‌اند و آنرا فراموش نکردند و نخواهند کرد!

این شیوه جنایتکارانه شما، ما توده‌ای‌ها را هر روز بیشتر به عمق حقانیت و صداقت حزبیمان آشناتر و معتقدتر می‌سازد. هجوم اخیر سه حزب توده ایران در صفوف هواداران و پیروان امیل سوسیالیسم علمی، نه تنها کوچکترین ضعف و شمتی را - آنگونه که دشمنان آرزو دارند - پدید نیآورده است، بلکه به جسرات می‌توان گفت که ایمن، پایمردی و شور انقلابی هر توده‌ای چند برابر شده است. ارسال نامه‌ها، اشعار، نقاشی‌ها، مقالات متعدد توسط رفقا و هواداران دور و نزدیک حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران به ما، بیان این واقعیت و نشان حقانیت حزب و پیروزی نهایی آن و راهش است!

مه فشانند نور و سگ عوسو کنند.

اعلامیه تشکیلات دمکراتیک زنان ایران (سازمانهای خارج از کشور)

هان عدالت اجتماعی، آغاز کرده‌اند. هدف اینست که دستاورد های انقلاب بهمین را نابود کنند و ایران را از نو برای امپریالیسم بین‌المللی به "جزیره ثبات" بدل کنند.

عمل نکردن به مواد مصرحه در قانون اساسی و شروع رژیمه تغییر بخشهایی از آن که می‌توانست تا حدود زیادی به تأمین استقلال کشور و آزادی های دمکراتیک کمک نماید، حمله به دستاورد های انقلاب، با بازگرداندن زمینهای تقسیم شده به نفوذ الها و زمینداران بزرگ، آغاز بازگرداندن کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی ملی و صادره شده به سرمایه‌داری که پس از پیروزی انقلاب به خارج گریخته بودند، لگد مال کردن تمام حقوق انسانی، از جمله حق کار، بهداشت و تأمین اجتماعی و مهمتر، برخورد بی‌بند و بانه با زنان کشور بمثابه انسانهای درجه دوم که آنها را از شرکت در تعیین سرنوشت و تصمیم گیری درباره شیوه زندگی خود محروم می‌سازد، باحمله وسیع و سراسری به تمام سازمانهای دمکراتیک از جمله تشکیلات دمکراتیک زنان ایران و بازداشت تعداد زیادی از رهبران و فعالین آن به مرحله حساسی رسیده است.

ما این اعمال غیرانسانی را که تا کنون در هیچ جای دنیا نظیرش دیده نشده است، شدیداً محکوم نموده و خواستار اجازه دیدار هیئت بیطرف بین‌المللی پزشکی و حقوقی از زندانیان ایران، بمنظور روشن شدن حقایق و وحشتناکی هستیم که در سیاه چال‌های جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد.

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران سازمانهای خارج از کشور ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۲

بیش از سه ماه از دستگیری مریم فرمانروایان (فیروز)، مسئول کل تشکیلات دمکراتیک زنان ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و همچنین عده زیادی از فعالین تشکیلات زنان و گروهی از شخصیت‌های برجسته انقلابی و وطن پرست کشور ما می‌گذرد. خبرهای ناگواری که از ایران می‌رسد، حاکی از اعمال انواع شکنجه‌های جسمی و روحی قرون وسطائی و مدرن علیه بازداشت شدگان می‌باشد. در ایران یسدت شایع شده، که بانو مریم فرمانروایان بر اثر شکنجه‌های وحشیانه جان خود را از دست داده است. ولی بحالت سکوت مطلق زندانیان در برابر اقوام زندانیان امکان تأیید و یا تکذیب آن وجود ندارد. هنگام دستگیری، تمام اعضای خانواده‌ها را همراه می‌بردند و حتی کودکان خردسال نیز از اعمال بربرمنشانه این مأموران جهل و ارتجاع در مان نمی‌مانند. زنان زندانی به مقابله غنیمت جنگی مورد تجاوز و وحشیانه شکنجه گران قرار می‌گیرند و وضع جسمی و روحی برخی از آنان بسیار وخیم است. بسیاری از آنان، بر اثر زخمهای ناشی از شکنجه‌های وحشیانه و اعمال حیوانی، نیاز مریم به معالجه دارند ولی زندانیان به این امر بی‌اعتنا می‌کنند.

زندانیان هیچ رابطهای با دنیای خارج ندارند و به بستگان نشان حتی نمی‌گویند که آنها در کجا و تحت چه شرایطی زندانی هستند. نیروهای راستگرا، ارتجاعی، و ضدانقلابی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و دیگر نهاد های کشوری، هجوم وسیعی را علیه همه نیروهای مترقی و دمکرات و بخصوص حزب توده ایران، عمدترین پاسدار آزادی و استقلال کشور خوا-

درود بر کمیته مرکزی حزب توده ایران

موج پشتیبانی بین‌المللی از حزب توده ایران هر روز ابعاد بیشتری بخود می‌گیرد

بقیه از صفحه ۱

فراخوان برای نجات جان زندانیان توده‌ای

در هفته نامه فدائیان حزب کمونیست فرانسه در تلوژ، باسم "نویل" بتاريخ ۵ ماه مه، فراخوانی با امضای چهل تن از روشنفکران فرانسوی بمنظور نجات جان زندانیان توده‌ای درج شده است. در این فراخوان ضمن توضیح مسأله دستگیری و شکنجه این مبارزین، از کلیه مردم آزاد یخواه فرانسه دعوت بعمل آمده است، طبعه این اعمال بربرمنشانه، دست به اقدام سریع بزنند. در همین شماره از هفته نامه "نویل" خبر شکنجه دبیر اول حزب توده ایران، رفیق نورالدین کیانوری همراه با عسوی و نیز شکنجه‌های وارده به سایر رهبران و اعضای حزب پجاپ رسیده و درباره "اعترافات" و نحوه بدست آمدن آنها توضیح داده شده و سپس از کلیه مردم تریخواه فرانسه خواسته شده است، با اقدامات سریع خود علیه این اعمال وحشیانه و نجات جان رفقای زندانی از خطر مرگ بگریزند.

در تاریخ ۱۳ ماه مه، هیأتی به نمایندگی از طرف وکلای کمونیست مجلس ملی فرانسه و مجلس سنای آن کشور، متشکل از روبرت هین و آرژان، ماری کلود بود و ژان کارسیا، با مراجعه به سفارت ج ۱۰۱۰ در پاریس اعتراض نامه‌ای در مورد سرکوب کمونیستها در ایران، تسلیم سفیر ایران نمود. در این نامه تاکید شده است که وکلای کمونیست فرانسه، ضمن محکوم کردن این اعمال، به اقدامات خود جهت نجات زندانیان کمونیستها و سایر دمکراتهایی که همه چیز خود را در راه انقلاب فدا کرده‌اند ادامه خواهند داد.

بازداشت و شکنجه رهبران حزب توده ایران، به مثابه پایمال کردن حقوق دمکراتیک مردم ایران

نماینده انجمن شهرداری شهر گراتس و نماینده کارخانه بونچیک از کارخانجات معروف اتریش، طی ارسال تلگرافی به مجلس شورای اسلامی، به دستگیری و شکنجه رهبران و فعالین حزب توده ایران شدیداً اعتراض نمودند.

انجمن هواداران دوستی میان خلقهای ایران و اتریش، دستگیری و شکنجه رهبران و اعضا حزب توده ایران را نتیجه مستقیم نفوذ

نیروهای راست در حاکمیت که خواستار سسوق مجدد ایران به زیر سلطه امپریالیسم می‌باشند، میدانند. این انجمن، در نامه‌ای که بدین مناسبت به سفارت ج ۱۰۱۰ در وین ارسال گردیده می‌نویسد:

"این بازداشت‌های خود سرانه و اعمال فذل ها، پایمال کردن حقوق دمکراتیک مردم پیکار جوی ایران و نشانه عقب نشینی در مقابل دشمنان انقلاب و بعقب برگرداندن مسیر آن است."

در نامه سپس بخصوص بدستگیری رفیق



احسان طبری و محبوبیتی که وی در میان مردم اتریش دارد، اشاره شده و آزادی فوری وی و نیز سایر مبارزین توده‌ای خواستار شده است. در پایان تشکیل هیأتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان جهت اعزام به ایران، بمنظور بررسی وضع زندانیان اعلام و تصریح شده است که مخسار ج سفر و اقامت اعضای هیأت در ایران نیز تأمین شده است.

دبیر خانه کشوری سازمان امداد مردمی فرانسه، مراتب نگرانی و تأسف خود را از پایمال

اعمال فشار و تقطیش عقاید و اعمال خلاف حقوق بشر در ایران، به سه مقامات مسئول ایران، ابراز نمودند.

دبیر خانه کشوری جنبش جوانان کمونیست فرانسه، طی ارسال تلگرافی به سفارت ج ۱۰۱۰ در پاریس، به دستگیری و شکنجه کمونیستهای ایران شدیداً اعتراض نمود.

حاکمیت کنونی ایران

افرادى رابه غل و زنجیر کشیده
که در جهان به حامیان
زحمتکشان میهنشان معروفند

کمیته مرکزی حزب کارگری بنگلادش، در نامه ای خطاب به دولت جمهوری اسلامی ایران، به تاریخ ۱۵ ماه مه، پس از ابراز همبستگی با انقلاب مردمی و برشردن نقش تاریخی حزب توده ایران در مبارزه علیه امپریالیسم و استبداد سلطنتی و سپس سرنگونی شاه، از اینکه رهبران و اعضای این حزب، این مدافعین راستین انقلاب به زندان افکنده شده و تحت شکنجه‌اند نگرانی خود را ابراز داشته، می‌نویسد: "مردم مکه همواره با علاقه خاصی رویدادهای انقلاب ایران را دنبال کرده و مبارزه مردم ایران بر علیه امپریالیسم آمریکا، دشمن مشترک خلقهای جهان را ستودند، از درک علت دستگیری مبارزین حزب توده ایران عاجز ماندند، زیرا که به سبب شایسته این حزب و فداکاری‌های اعضا، آن در پیشبرد انقلاب ایران کاملاً واقفند. ما همگی، خواستار آزادی فوری اعضا و رفع تضییق از حزب هستیم."

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش، بیانیه‌ای بتاريخ نهم ماه مه، در زمینه اعمال فشار و تضییق در مورد حزب توده ایران و دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب انتشار داده است. بیانیه ضمن بررسی تاریخچه مبارزاتی حزب در دوران دیکتاتوری شاه و نقش آن در سرنگونی رژیم ترور و خفقان پهلوی و سپس در پیروزی انقلاب و شهیدانی که در این راه طولانی و پسر فراز و نشیب، بخاطر بدست آوردن استقلال و آزادی مردم ایران نثار نموده‌اند، پرداخته و مقام والائی را که حزب در میان مردم ایران ودوستانداران انقلاب ایران در جهان کسب کرده است، ناشی از استقامت و پایداری سازش‌ناپذیری اعضای آن در مقابل امپریالیسم و ارتجاع می‌داند. بیانیه سپس تصریح می‌کند: "خبر دستگیری و شکنجه‌های وحشیانه مبارزین جانپناز و صدیق انقلاب ایران، همه دوستداران این انقلاب را در نگرانی عمیقی فرو برده است."

بقیه در صفحه ۱۰

فراخوان کمیته برون مرزی حزب توده ایران پیش به سوی تشکیل جبهه متحد خلق!

بقیه از صفحه ۱

کمیته برون مرزی حزب توده ایران
حزب طبقه کارگر ایران با این ارزیابی، همه نیروهای راستین انقلابی را به تشکیل جبهه متحد خلق فرا می خواند!

ترکیب نیروها در حاکمیت

با موضعگیری های روشن عناصر درجه اول در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در هفتکذشته: **"تحریم"** هر نوع انتقاد حتی توسط نمایندگان مجلس، **"با تهدید"** به سرکوب همه کسانی که کلمه **"مستضعف"** و **"دفاع از مستضعف"** را بر زبان آورند و اعلام این **"جرم"** به مناسبت **"تسویبت کمونیسم در ایران"** نشان می دهد که عناصر تسلیم طلب، که مرحله عقب نشینی قدم به قدم خود را در راه اجزای اصلاحات بنیادی اقتصاد - اجتماعی پشت سر گذاشته اند و از اجزای اصلاحات ارضی انقلابی، اجرای قانون بازگانی خارجی دولتی، تأمین و بهبود زندگی زحمتکشان و تحقق عدالت اجتماعی صرف نظر کرده اند و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را، که خود روزی تدوین کننده و تصویب کننده آن بودند قربانی مباحثات و عقب نشینی خود ساختند، اکنون به تسلیم کامل به ضد انقلاب و راستگرایان تن در داده و بیستری نجات جان و مقام خود چهل اسبه علیه همان خواستهای و تمهیداتی می تازند، که خود روزی آنها را در مقابل خلق مطرح ساختند و از این راه رهبری خلق را بدست گرفتند!

تسلیم طلبانی که امروز دفاع از **"مستضعفان"** را **"جرم"** می شناسند و آنرا کمک به **"چپی ها"** تودهای ها... و شوروی "اعلام می کنند، خود روزی توسط رسانه های امپریالیستی و ضد انقلاب در معرض همین اتهام قرار داشتند. این تسلیم طلبان امروزی، که آن روزها **"می توانستند"** با کمک گرفتن از توان انقلابی زحمتکشان شهر و روستا و تمام نیروهای ضد امپریالیست و آزاد یخواه و میهن دوست، انقلاب را به پیش برانند، بسا وحشت از توده انقلابی، از تعمیق انقلاب جفا زدند و عقب نشستند و اکنون برای نجات جان و مقام خود به طور کامل تسلیم راستگرایان شده اند. از این روی می توان در وضع جدید ایجاد شده ترکیب نیروها را در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به طور عمده ترکیبی از راستگرایان و تسلیم طلبان دانست. ضد انقلاب در پوشش راستگرایان، بر عهده ترین مواضع حاکمیت جمهوری مسلط شده است و بدیهی است، که هدفش حاکمیت مطلق خود و بازگرداندن کامل گذشته با تمام وابستگی های سیاسی -

اقتصادی - اجتماعی - نظامی - فرهنگی - به امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست. برخی مسلمانان راستین که هنوز هم در سطوح مختلف حاکمیت و نهاد هاضم دارند، بسا توجه به فشاری که بر روی آنها اعمال می شود، به تنهایی و به ویژه بدون یک سازمان واحد و متشکل، قادر نیستند برای نجات دستاوردهای انقلاب به نقش تعیین کننده ای از خود ایفا نمایند.

هدف ضد انقلاب: سرکوب سازمانها و نیروهای مدافع انقلاب

تدارک سرکوب بدد منشا حزب توده ایران (دستگیری بخشی از رهبری و چندین هزار نفر از اعضا و فعالین آن)، که برنامه اعلام شده ضد انقلاب و راستگرایان و تسلیم طلبان است و در این راه هر وسیله ای را، حتی سپاهترین آنها را، که تنگ آیدی در مقابل انسانهای شریف پر پشانی آنها زده است، مجاز می داند، به این منظور انجام می شود تا انقلاب را از داشتن هر رهبری، که با پایبندی خود به اهداف انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، قادر باشد سکان پیشرفت و تعمیق انقلاب را در دست گیرد، محروم سازند! آغاز یورش به مسلمانان مبارزی که با شناخت درد روز افزون خلق، بسا شناخت این واقعیت که در جمهوری اسلامی ایران، مستضعف، مستضعفتر شده است و مستکبر مستکبرتر نیز درست به همین منظور انجام می شود، که انقلاب را از رهبری توسط مسلمانان مبارزی، که به اهداف ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب و به تعهدات مکرر خود در مقابل خلق پایبندند، محروم سازند!

به عبارت دیگر، هدف ضد انقلاب - راستگرایان و تسلیم طلبان، سرکوب اجزای و سازمانهای مدافع اهداف انقلاب و جلوگیری از ایجاد سازمانهای ضد امپریالیست و مدافع منافع خلق است. هدف، سرکوب و خاموش کردن تمام عناصر مسلمان مبارز و ضد امپریالیست است!

آری هدف "بی سر" و بی سازمان کسوف انقلاب است!
اگر ضد انقلاب - راستگرایان و تسلیم طلبان قادر شوند تمام سازمانهای موجود انقلابی و در رأس آن حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران را سرکوب کنند و نیروهای مسلمان مبارز راستین را منکوب آنوقت دستشان برای راندن توان انقلابی خلق به راست باز می شود. آنوقت ضد انقلاب و راستگرایان و تسلیم طلبان می -

توانند خلق انقلابی "بی سر" را مطیع امیال خائنانه و ضد انقلابی و ضد ملی خود سازند و او را به قبول مجدد حلقه بندگی امپریالیسم وا دارند. آنها در چنین صورتی قادر خواهند شد گذشته آریامهری را با لباس "مذ - هبی" و "اسلامی" و با چهره های بمراتب عبوس تر و خشن تر از انواع پاکستانی، ترکیه ای و عربستان آن به مینما تحمیل کنند و با تیدیل هر چه بیشتر ایران به جولا نگاه غارتگران امپریالیستی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا، جمهوری نهایی مسارا نیز به خدمت اهداف امپریالیسم آمریکادار منطقه - برای سرکوب جنبش های آزاد پیش عرب و غیر عرب - و در جهان - در خدمت سیاست کمون - نیسم ستیزی و صلح ستیزی - در آورند.

باید به این سیاست ضد انقلابی و ضد ایرانی، که زیرمجموعه راستگرایان، به دست تسلیم طلبان اعمال می شود، است داد!

باید به این سیاست مزاحم تسلیم طلبان پاسخ داد!

باید این سیاست مملک برای انقلاب را افسا کرد و آتزا خشی ساخت!

باید زنان و مردان ایران!

باید کارگران و دهقانان همیشه روان و روشنگران انقلابی!

باید مسلمانان مبارز!

باید مدافعان اسلام حامی محرومان!

باید هواداران واقعی سوسیالیسم علمی!

باید میهن دوستان مخالف امپریالیسم و فاشیسم مارکسیست دست دوستی و اتحادی را که حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران بسویتان دراز می کند، بشماریند!

باید از عدم ترین موفقیت های ضد انقلاب در طول چهار سال گذشته آن بود، که توانست از تشکیل یک سازمان در برکنده همه انقلابیون راستین جلوگیری کند، که توانست مانع از ایجاد یک سازمان خلقی توسط مسلمانان مبارز گردد!

بدون یک سازمان متشکل و با برنامه مشخص نمی توان اهداف انقلابی را به پیش برد. باید این ضعف انقلاب را هر چه زودتر برطرف ساخت مسلمانان مبارز حامی محرومان باید دارای سازمان متشکل خود باشند. انقلاب باید از قدرت سازمانهای متشکل برخوردار باشد!

بدون شکل جبهه متحد خلق، که در آن همه انقلابیون، اعم از مسلمان و دگراند پیش سر نظر از اعتقادات مذهبی واید نولوژیک، به در

بقیه در صفحه ۱۱

فراخوان همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

«دخالت مداوم، دکترین سیاست خارجی آمریکا»

چندی پیش روزنامه آمریکائی "نیویورک تایمز" سند محرمانه شورائی امنیت ایالات متحده آمریکا را منتشر ساخت. در این سند آمده است که دولت آمریکا یک میلیارد دلار بودجه به کنکهای اقتصادی و نظامی تخصیص خواهد داد تا برای تأمین "امنیت جمعی" و "تقویت بنیه سیاسی دولتها" تحت رهبری آمریکا بکار رود.

سیاست مداخله گرانه آمریکا در امور داخلی کشورهای آمریکا مرکزی و حوزه دریای کارائیب، همان قدر قدمت دارد که خود امپریالیسم آمریکا. آمریکائیها که در اواسط قرن نوزدهم قسمتی از خاک مکزیک را تصاحب کرده بودند بین خاطر در جنگ علیه اسپانیائیهای استعمارگر در پورتوریکو و کوبا شزکت کردند که جای آنها را بگیرند. چند یعد نیز تمام منطقه کانال پاناما را تحت تسلط خود در آوردند.

تئودور روزولت رئیس جمهور آمریکا، بانی سیاست "چماق بزرگ" است که با اعمال آن میبایست تمام خلقهای منطقه تحت سلطه آمریکا در آیند. با دیپلماسی "قایق تویدار" تمام قیامها و حرکات ضد آمریکائی در نیم کره غربی سرکوب شد. سرپا زان آمریکائی منطقه دریای کارائیب را برای صدور سرقا غارت مواد خام و انتقال سود انحصارهای آمریکائی "مطمن" میساختند. هیچکدام از کشورهای منطقه که از استقلال صوری برخوردار بودند از این سیاست مداخله گرانه آمریکائیها در امان نماندند.

با وجود اینکه هدف آمریکائیها همواره ثابتمانده اما شیوه برخوردشان، تغییرات گوناگونی به خود دید است. یکی از علل عمده این تغییر، کاهش شعناع عمل امپریالیسم در نتیجه تحول عمیق در تناسب بین المللی و منطقهای قواست. پیشروی سوسیالیسم جهانی و پیروزی انقلاب کوبا بشابه جزئی از این روند باعث بوجود آمدن شرایط کیفی تا نوبی حتی در نیم کره غربی شد. انقلاب مردمی ساندینیستها در نیکاراگوئه یکی از پایههای تسلط امپریالیسم در منطقه را تخریب کرد. مبارزه علیه رژیمهای دیکتاتوری دست نشاندۀ آمریکا در السالوادور و گواتمالا شکل مسلحانه بخود گرفت. امپریالیسم که از لحاظ تاریخی در این منطقه نیز به عقب نشینی وادار شد متلاطم میکند تا با اعمال خود ورق را بسود خویش برگرداند.

پنتاگون و سیا میکوشند تا در ادامه سیاست سرکوب خود، چنانکه در گواتمالا (۱۹۵۴) و سانتا دومینگو (۱۹۶۵) انجام دادند محکومتانقلابی در نیکاراگوئه را ساقط سازند. به محاصره کوبادامه دهند و جنبشهای آزاد بیخمن منطقه را نابود کنند. آمریکا برای رسیدن به این هدف از دست زد نه هیچ شیوههای ابانندارد. قدرت نمائی نظامی جزو این شیوه هاست. آمریکائیها ادعا میکنند که ۲۳۰ میلیارد آمریکائی مورد شهید ۲۵۰ میلیون نیکاراگوئهای قرار گرفتهاند. اما خود مانورهای متعدد در منطقه و میاندازند تا کوبا و نیکاراگوئه را موعوب سازند. عملیات نظامی آمریکا را میتوان در تمام کشورهای دست نشاندۀ منطقه مشاهده کرد.

سیاست دیگری که آمریکا از آن استفاده میکند اعمال تضحیقات اقتصادی است. آمریکا از خود دارای ز صدور گندم به کوبا آغاز کرد و به تخریب مطلق این کشور رسید. با نیکاراگوئه نیز همین سیاست را آغاز کرده است. دولت آمریکا اعلام کرده که دیگر از این کشور شکر وارد نخواهد کرد.

فشار نظامی و تضحیقات اقتصادی، مکمل سوبی نیز دارد و آن تهاجم ایدئولوژیک تبلیغاتی است. تئوریهای متعدد دی تدوین میگردد تا سیاست تجاوز

المللی است. این سیاست در ایجاد ۵۰۰ پایگاه نظامی که اتحاد شوروی را محاصره کرد ماند و یاد در تصمیم ناتو مبنی بر استقرار نوسکهای میانبردهسته ای در اروپای غربی نمایان میگردد. اما با تمام تجاوزگری محافل مجتمع نظامی صنعتی آمریکا، یک چیز را نباید فراموش کرد: و این آنکه تمام حسابهای طراحان امپریالیسم چیز است و واقعیات موجود در جهان چیز دیگر. امروز سیاستهای تجاوزکارانه امپریالیسم حتی در میان مردم مخطو



آمریکا نیز با مخالفت گسترده برخوردار میگردد. عدمای از نمایندگان کنگره آمریکا در مخالفت با فعالیتهای "سیا" در آمریکای مرکزی به حق نوشته بودند که ما معتقدیم که حمایت از ضد انقلاب در نیکاراگوئه عاقلانه نیست. چه این مسئله نه بسورد حمایت افکار عمومی آمریکا قرار خواهد گرفت و نه مردم آمریکائی لاتین. و باید افزود که در تمام تهاجم واقعیات جهان امروز چیز دیگری جز از آن چیز است که در میخبل رنگان و امثالش میگردد.

گرانه آمریکا را در منطقه توجیه نمایند. آمریکای مرکزی به عنوان "مرز چهارم" آمریکا تلقی میشود و با اینکه از دکترین معروف ترو من استفاده میشود که طبق آن "آمریکای مرکزی آنقدر به خاک آمریکا نزدیک است که آن کشور نمیتواند وجود رژیمهایی را که مورد علاقه اش نیستند تحمل کند." البته سیاست تجاوزکارانه آمریکا در آمریکای مرکزی بخشی از سیاست عمومی امپریالیسم در جهان برای مقابله با سوسیالیسم جهانی و افزایش تشنجات بین

آیا "خط امام" هنوز وجود دارد؟

برای درک مطلب در ابتدا لازم است به این سوال پاسخ داده شود که "خط امام" بیان کننده چیست؟
حزب ما از ابتدا، این خط مردمی را به صورت ارزیابی کرده است؛ خط ضد امپریالیستی، ضد سلطنتی، ضد فئودالی، ضد سرمایه داری و مردمی (آزادخواهانه) انقلاب. این ارزیابی، در واقع ارزیابی محتوی انقلاب شکوهمند ضدامپریالیستی (ملی) و مردمی (دمکراتیک) ۲۲ بهمن

۱۳۵۷ است.

اهداف آن، که:

- ۱- تأمین استقلال همه جانبه (سیاسی - اقتصادی - نظامی - اجتماعی - فرهنگی) ایران و بازگرداندن آزادی به میهن انقلابی برانداخته ز دیکتاتوری سلطنتی - ساواکی و تأمین حقوق توده های زحمتکش و بالاخره
- ۲- تأمین عدالت اجتماعی برای طبقات زحمتکش

و محروم بود، خواست های عینی ای بود ندکسه از تضاد خلق از یکسو با امپریالیسم؛ به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و از سوی دیگر رژیم خفقان شاهنشاهی گرفته بودند. لذا این خواست های عینی و واقعی، نتیجه مشخص تضاد عده موبرم خلق با دشمنان طبقاتی خارجی و داخلی در این مرحله از انقلاب آزاد بیخشم میهن ما است. به عبارت دیگر این تضاد و خواسته های برآمده از آن عینیت خط مردمی انقلاب، محتوی و عصاره خط مردمی انقلاب را تشکیل می داد و می دهد. در این "عینیت" کوچکترین تغییریری حاصل نشده است، زیرا اهداف انقلاب هنوز تحقق نیافته اند؛ نه استقلال واقعی و همه جانبه جمهوری نوپای ما تأمین شده است نه خفقان و دیکتاتوری که اکنون توسط کلان سر- مایه داران و بزرگ مالکان از نوع دیگر و در لباسی دیگر و به دست ضد انقلاب، راستگرایان و تسلیم طلبان اعمال می شود - بر طرف شده است و نه عدالت اجتماعی تحقق یافته است؛ که حتی غارتگری سرمایه داری عنان گسیخته تر و گستاخانه تر شده است و رنج و فلاکت زحمتکشان شدید تر.

آنچه که تغییر یافته است و این روزها آخرین بقایای حقانیت و رسالت تاریخی خود را از دست داده است، "ذهنیت" خط امام است. به عبارت دیگر نمایندگان افشار میانی جامعه، آن نیروها و شخصیت هایی که در مرحله اول انقلاب، در مرحله براندازی حاکمیت رژیم شاه و به ثمر رساندن مرحله سیاسی انقلاب رسالت تاریخی رهبری انقلاب، یعنی رسالت تاریخی به دوش کشیدن پرچم اهداف عینی فوق الذکر را محققانه به دوش داشتند، اکنون استعداد تاریخی خود را برای ادامه عمل انقلابی خود از دست داده اند رسالت تاریخی "ذهنیت" در ترکیب فعلی آن پایان یافته است.

اکنون "عینیت" خط مردمی انقلاب، که در توان انقلابی خلق و خواست آن برای به پیروزی رساندن اهداف انقلاب تجلی می یابند، در جستجوی "ذهنیت" جدیدی است، ذهنیتی که استعداد تاریخی ادامه و تعمیق انقلاب را و استعداد ایجاد تحولات انقلابی اقتصادی - اجتماعی را به نفع زحمتکشان و محرومان داشته باشد و بداند که چگونه می توان عدالت اجتماعی را برای خلق تأمین کرد. ذهنیتی که پایبند است به نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مصمم به تحقق روح مردمی آن ذهنیتی که از چنان استواری و پیگیری و آگاهی برخوردار است، که بتواند دوستان و دشمنان انقلاب را تشخیص دهد و جای انقلاب ایران را در بین خلقهای ضدامپریالیست، در بین کشورهای مرفعی و در بین جنبش های آزاد بیخشم ضدامپریالیست بیابد و با تقویت جنبه جهانی ضدامپریالیستی و صلح، مواضع انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران را تحکیم بخشد و راه تعمیق انقلاب را باز کند.

حزب رستاخیزی جمهوری اسلامی

آنها پناه ما بودند. بهترین انسانهای این روزگار، بهترین چهره های مبارز، از همین هابیرون آمدند.
باید گفت که بازار زمانی جزو جبهه ضد - دیکتاتوری محسوب می شد و اتفاقاً این حزب توده ایران بود که این تحلیل را ارائه می داد، زیرا در آن ایام مبارزه علیه رژیم شاه، حتی سرمایه داری تجاری، که رژیم شاه برایش محدودیت ایجاد می کرد و ضمناً به وابستگی و فریبی امروز نبود و با اشاره سرانگشت هم نمی توانست وکیل و وزیر نصب و عزل کند، در نقطه مقابل رژیم قرار داشت. لازم به توضیح است که حتی در آن ایام نیز حزب ما این بخش از بورژوازی را به چشم نیرویی که میتوانست فقط ذره کوچکی به نیروی اپوزیسیون علیه شاه بیفزاید میدید، لیکن اینطور که معلوم است برای این آقایان ولینعمت بوده و به آنها "پناه" می دادند، پول میدادند و غیره. در لحظه کنونی که انقلاب با تعمیق خویش براندازی همین "ولی نعمتان" یعنی سرمایه داری تجاری وابسته را در دستور روز قرار داده است، تلاش برای حفظ آنها و تحکیم حاکمیت آنها عملی ضد انقلابی است.

و اما فرمایشات آقای دبیر کل در مسوورد ها افغین مستضعفین نیز جالب توجه بوده و سرنوشتی را که برای این "قشرها" تصویر می کند بسیار عبرت آموز است. بلی، پس از چهار سال و اندکی که از انقلاب کوخ نشینان علیه کساح - نشینان می گذرد، وظیفه رسمی کوخ نشینان در حزب فراگیر، سفر به ششزارهای داغ خوزستان و گوشت جلوی توپ شدن است. جناب دبیر کل میفرمایند: "جوانها پرشورند، دلسوزند، عاطفی اند، کجیها و بدیها را که گاهی ما که سنی بر ما گذشته یک مقدار راحت تحمل می کنیم، تحمل نمی کنند بزمی آسویند، باید گفت اینها چپ هستند؟ چرا به چه دلیل؟ این جوانان را چرا ما رد می کنیم به چه چیزی؟ این مؤمن و مخلص و فداکار را چرا؟ جبهه ما را اینها پر کرده اند" (تاکید از ماست) روشن است که منظور از جوانان تمام کسانی هستند که در پی تحقق

بقیه در صفحه ۱۳

"راه توده" در شماره ۴۲ خود با توجه بوضعیت عمومی حاکمیت فعلی و حزب جمهوری اسلامی که در آن راستگرایان و جنتیه - ایها غالب شده اند و نیز با در نظر گرفتن زمان برگزاری کنگره ماهیت این باصطلاح حزب را همصدا با مردم انقلابی ایران افشاء کرد. حزب رستاخیزی جمهوری اسلامی، در طی کنگره این حزب مرا مانده و اساسنامه آن به تصویب رسید و اعضای "شورای مرکزی" و "شورای داور" آن انتخاب شدند. البته متن این اساسنامه و برنامه (اگر چنین چیزی داشته باشد!) منتشر نشده است تا بتوان تحلیلی از آن بدست داد، معیناً میتوان با استناد به نطق های خامنه ای دبیر کل این حزب، رستاخیزی بودن آن را مستدل کرد.

جناب دبیر کل پس از ستایش از حزب جمهوری اسلامی و مزایای کنگره اش می گوید: این کنگره "افراد را با هم آشنا کرد و قشرها را در کنار هم قرار داد و در اساس هم حزب جمهوری اسلامی، حزبی بود که میخواست نماینده قشرها باشد و همین ترکیب را در بافت کلی خود از بالا تا پایین، از مرکز تا محیط دایره رعایت کرده بود و نتایج خوبی هم بحداله گرفته بود." چقدر شبیه است این بافت روایی آقای دبیر کل با بافت حزب رستاخیزی که شاه میخواست بطور فراگیر همه افشار را در درون آن جسای دهد! شاه میخواست گرگ و میش را در کنار هم تحت لوای ناسیونالیسم ایران بزرگ زیر پرچم حزب رستاخیز جمع کند، امروز هم این آقایان که سوار بر امواج انقلاب خلق شده اند، میخواهند بزعم خویش کوخ نشین و کاخ نشین را در کنار هم زیر یک چتر با مارک "اسلام" جمع کنند. زهی خیال باطل! البته گمان مبریدگسه آقای رئیس جمهور از وجود منافع متضاد و مخالف "قشرها" بی اطلاع است، خیر، ابداً ایشان روز سوم کنگره بعد از اشاره به این نکته می گوید: "مگر بازاری بد است! بازاری خیلی هم خوب است. بازاری همان کسانی هستند که در آن روزگاران که این انقلاب غریب بود آنها دورش بودند. آن زمانی که ما پناه نداشتیم

مشت شکنجه گران جمهوری اسلامی ایران باز میشود

فرانسه چهارشنبه اول ژوئن

به دعوت کمیته بین المللی دفاع از جان زندانیان توده‌های و دمکراتهای ایران بخشش فرانسه در روز اول ژوئن ۱۹۸۳، ۱۱ خرداد ۶۲ یک جلسه مساحه و مسیح با خبرنگاران روز - نامه‌ها و خبرنگارینها و رادیو و همچنین با شرکت تعدادی از احزاب و سازمانهای کمونیست و دمکراتیک در پاریس برگزار شد.

در این جلسه که توسط دو کسول نو دبیر حقوقدانان دمکرات افتتاح شده، خبرنگاران روز - نامه‌های امانیتیه، ایسارو عربی، زاگروا، زلوسو - سیون، آوانسهای خبرگزاری تاس، آوانس فرانسه پرس، آوانس خبری نویستی و رادیو اروپا، رادیو راد یوی بین المللی فرانسه و با نمایندگان احزاب کمونیست عراق، یونان، مغربیه، تونس و سازمان هو بین المللی حضور داشتند.

پس از توضیحات آقای کستر نو درباره خفقان حاکم بر جمهوری اسلامی ایران و شیوه سرکوب وحشیانه اعمال شده علیه حزب توده ایران نمایندگانی که در جلسه حضور داشت، به تشریح اوضاع کنونی ایران پرداخت. سپس گزارش پزشکی درباره داروهای مصرف شده برای بدست آوردن "اقرار" توسط یک پزشک ایرانی ارائه شد و توضیحات تکمیلی درباره نحوه عملکرد و تأثیر این داروها بر روی قربانیان شکنجه بیان شد. در گزارش دیگری نحوه عمل سازمان "سیا" در پیکار بردن این داروها علیه زندانیان رنگین پوست آمریکایی ارائه گردید. سپس میثاقیل اهرسکالسکی خبرنگار و متخصص جنایات سیا (که تاکنون درباره جنایات ایسین سازمان جاسوسی سه کتاب نوشته است و یکی از این کتب ویژه فعالیت سیا در ایران است)، به توضیح نمونه‌هایی دیگر این جنایات سیا پرداخت و مظاهر سوء استفاده از "اعترافات" تلویزیونی در کشورهای دیگر را افشا کرد.

سپس فیلم دید که نتایج اثرات شکنجه را بر روی قربانیان افشاء میگرد به نمایش گذاشته شد. آثار شکنجه و فلجی بر چهره ریفیسکی نورالدین کیانوری، دبیر اول و سایر رفقای کمیته مرکزی حزب توده ایران، تأثیر عمیق بر روی خسار باقی گذاشت و آنها را تکان داد. شرکت کنندگان پس از تماشای فیلم، که در آن صورت رفیق کیانوری در قسمت مناظره تلویزیونی با شهید بهشتی و سپس صورت شکنجه شده او در کنار هم مونتاژ شده بود با ابراز خشم و انزجار نسبت به شیوه اعمال شکنجه‌های وحشیانه، عزم خود را در افشای هر چه بیشتر جانان شکنجه گر اعلام کردند.

در خاتمه از طرف رفقای حزبی به سوالات خبرنگاران پاسخ داده شد.

پوستر قطع بزرگ رفیق کیانوری که بر روی آن خوابست آزادی او به زبانهای مختلف چاپ شده و دیوارهای محل برگزاری جلسه را پوشانده بود، در اختیار حرکت کنندگان گذاشته شد.

بین المللی همبستگی با زندانیان توده‌های بود - وی که تألیفات چندی در مورد اوضاع ایران، داد و تحلیلی در این باره ارائه داد و ضمن آن به بررسی طرحهای "سیا" در ایران و منطقه و نقشی که جهت نفوذ در میان نیروهای مختلف و بهره برداری از نفاق میان آنان بازی می‌کند و خطرات ناشی از آن، پرداخت. وی در ایسن زمینه به همکاری مأمورین امنیتی ایران با دستگاههای امنیتی ترکیه، اسرائیل و "سیا" اشاره کرد و تأکید نمود که نیروهای ارتجاعی در ایران دست به تعرض آشکار زد ماند و همچنانکه معمول است، کمونیستها اولین قربانیان ایسن تهاجمند. جان این زندانیان در اثر شکنجه - های وحشیانه وارد در خطر استو برای نجات

بد نهال تشکیل کمیته بین المللی دفاع از زندانیان توده‌های و سایر دمکراتهای درینند و برنامه ریزی این کمیته در مورد فعالیتهای سریع دفاعی جهت قطع شکنجه‌ها و نجات جان ایسن انقلابیون از خطر مرگ حتی، در پایتختهای مختلف اروپا، کنفرانسهای مطبوعاتی با شرکت حقوقدانان و متخصصین در امور شکنجه و خبرنگار - ان بین المللی تدارک دیده شده است. ایسن کنفرانسها تا کنون در کشورهای یونان و فرانسه برگزار شده و در سایر کشورهای نیز بزودی برگزار خواهد شد. طی این جلسات مجموعه‌ای از فیلمهایی که از تلویزیون ایران در مورد "اقرار" اخذ شده از رهبران حزب توده ایران - ایسران بخش شد، بعنوان سند جنایت "سیا" چهار گان



آنان باید سرعت عمل نشان داد و اعزام یسک هیئت بین المللی بی طرف، مرکب از پزشکان و حقوقدانان با ایران جهت نظارت بر احوال آنان، اولین قدم در این راه خواهد بود. سپس قطعاتی از فیلم تلویزیونی "اعترافات" بنمایش گزارده شده که حاضرین را سخت تحت تأثیر قرار داد. در این فیلمها چهره‌ها و حرکات منع شده رفقای رهبری و بویژه ریفیسکی نورالدین کیانوری، حکایت از شکنجه‌های سبعمانه وارده دارد و مشاهده این فیلمها همراه با توضیحات دکتر STATHAKIS که فیلمها را از زاویه پزشکی و پانگان استفاده از داروهای مختلف و تأثیر آنها بر روی حواس قربانیان تشریح می‌کرد، شرکت کنندگان در کنفرانس را به نگرانی عمیق تری درباره سرنوشت این مبارزین واداشت. در جلسه فوق نمایندگان مطبوعات برجسته و رادیو تلویزیون یونان حضور داشتند و گزارش کنفرانس و اهداف "کمیته همبستگی با زندانیان توده‌های و سایر دمکراتهای دریند"، بشکسل وسیعی در رسانه‌های خبری سراسر یونستان انعکاس یافت.

جمهوری اسلامی به نمایش گزارده شد و حاضرین در کنفرانس بطرف اینکه اخبار این نوع شکنجه‌ها و "اعترافات" را شنیده و با خواننده بودند، با مشاهده فیلمهای "ویژه تلویزیون ایران" دچار نگرانی و وحشت گردیده و پیش از پیش به عق این جنایت ضد بشری که علیه ندادگارتربسین فرزندان میهنان اعمال می‌شوند، بی بردند.

یونان

روز دوشنبه سیام ماه کنفرانسی با شرکت خبرنگاران، حقوقدانان و نمایندگان در آتن تشکیل شد. در آغاز جلسه، E. MACHERAS، رئیس کانون وکلای دمکرات یونان، گزارش جامعی از جلسه تدارکاتی دوسلدورف که در آن B. KURIS عضو هیئت رئیسه کانون وکلای دمکرات آتسن و دکتر SP. STATHAKIS عضو هیئت رئیسه سازمان حزب کمونیست در آتن نیز شرکت داشتند، ارائه داد. سخنران بعدی MICHAEL OPPERSKALSKI میثاقیل اهرسکالسکی خبرنگار و عضو کمیته

ویژه روز جهانی کودک کودکان ایران می رزمند و می آموزند

روز جهانی کودک را به روز مبارزه برای قطع تجاوزات راستگرایان و تسلیم طلبان و حامیان امپریالیستی آنها تبدیل کنیم!

انقلابیون و راستگرایان از بد و انقلاب، کج اندیشی آنهایی که زمانی دم از اهداف انقلاب می زدند، در پسرفت وضعیت آموزشی کودکان و نوجوانان موثر بوده است، با اصطلاح پاکسازیها، حریهای شدتاً بطور عمد، نیروهای انقلابی و لسی دگر اندیش حذف شوند. بدینوسیله هزاران معلم اخراج شدند. کار بجایی رسید که ختسی کودکانی که از خانواده های دگراندیشان آمده باشند نیز مسئول "رحمت" اخراجی آقایان

می شوند. کیفیت آموزشی بحدی پایین است که دلسردی از تحصیل در میان نه فقط محصلین کلاسهای آخر دبیرستان بلکه در میان کودکان نیز رایج است.

چه باید کرد؟

روز ۱۱ خرداد، روز بین المللی کودکان است. روزی است که وظیفه دولتها در قبال کودکان به آنها یادآوری می شود؛ روزی است که نیروهای انقلابی را مصمم تر به مبارزه بخاطر ایجاد شرایط بهتر برای کودکان، یعنی ایجاد شرایط زندگی فارغ از دلهره جنگ و عاری از کابوس فقر، گرسنگی، جهل و بی فرهنگی می کند. ما در اینجا فراتر از حزب توده ایران را که در ۲ سال پیش خطاب به خلق و خطاب به آنهاست که آنروزها قصد خدمت به خلق را داشتند، بود تجدید چاپ می کنیم. حزب توده ایران در این فراخوان پس از ذکر جای نشانی کودک قهرمان، حسین فهمیده، بعنوان نمونه ای از نیاکان انقلاب، که شیره لانه با استقبال تانکهای آمریکایی عراقی صددم رفته بود، نوشت:

بیائیم به پاس این خونهای پاک، آینده تابناک میهن خود را بی رژیم. ما امروز ضمن تجدید عهد با خلق قهرمان، از آنان میخواهیم که دست در دست هم به یورش راستگرایان و تسلیم طلبان و حامیان امپریالیستی آنها، با افساد فاطح و انقلابی، یعنی تشکیک جبهه متحد خلق، برای همیشه پایمان دهند.

کشته دادند، انقلاب کردند که کار خرد سالان، کار کودکان ۷ ساله قانونی شود؟ ضد انقلاب و راستگرایان برای سرکوب خلق، برای مایوس کردن توده های مردم از تحقق آماجهای انقلاب، دست این چنین جنایتکاری را برای قانونی کردن هسر آنچه از زمان شاه بطور غیررسمی انجام می شد، بازگذاشته است.

وضع آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی رقت بار است، زیرا علاوه بر اقدامات آگاهانه ضد

چهار سال و اندی پس از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ۲۲ بهمن، کودکان و نیاوانگان اقشار محروم جامعه ما، همانند سالهای دیرپای سلطه امپریالیسم رژیم وابسته ضد خلقی، در زندگی سراسر محنت و ماتم و پیریانی سر می کنند. صدها هزار کودک خردسال در میهن ما، که از هفت خوان بیماریهای واگیردار و غیره جان سالم بدر بردنند، بجای قلم در دست و خنده بر لب، بجای نشستن در پشت میز کودکان و

رسم بجای داشتن تن پوشی مناسب و غذای کافی، در کوره پزخانه ها، در کارگاههای نمور قالی بافی، کارگاههای کوچک صنای، در مزارع کشتزارها، در کار فروشندگی و دوو گردی و کارهای دشواری از قبیل باربری و حتی در صنایع کار می کنند و واقع جان می کنند، و پسوی مرگی زودرس با شتاب در حرکتند. دو سال پیش وزارت آموزش و پرورش در اطلاعاتی بمناسبت روز جهانی کودک، اظهار امیدواری کرد که:

" با فرا رسیدن روز جهانی کودک در پناه جمهوری اسلامی، خواهران و برادران نوجوان ایرانی بجای کار در دخمه ها و کارگاهها، به آموزش و یادگیری بپردازند. حاکمیت جمهوری اسلامی، نه فقط صحبتی را درباره بهبود شرایط زندگی کودکان مطرح نمی کند، این کودکانی که در حرف، فقط در حرفه آنقدر عزیزند که حتی بخاطرشان مادران نیز بیکار و محکوم به خانه نشینی شده اند، بلکه در راه قانونی کردن زندگی نکیت باری که رژیم شاهنشاهی به آنان تحمیل کرد بود و انقلاب نوید تغییر آنرا داده است، در حرکت است. وزیر کار جمهوری اسلامی در توضیح وضعیت کار کودکان در "قانون کار" گفت: بی اش، در جواب خبرنگاری (اطلاعات، ۲۲ اردیبهشت) می گوید:

" البته وقتی میگویم طفل، طبعاً کسی بچه ساله را سر کار نمی گذارد، معمولاً بحث بر سر بچه ۸، ۷، ۶ ساله به بالا، ۱۲، ۱۳ ساله پیالا است و این بستگی به کارهای مختلف دارد. عزیز انگیز است! مردم ایسرن دهها ساله هستند،



این دستها باید با قلم آشنا شود، اما در گل می نشیند



نورالدین کیانوری:

دی ماه ۱۳۵۸

پرسش و پاسخ

آیا خطر بازگشت ارتجاع وجود دارد؟

انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ما چهار سال پس از پیروزی خود، حوادث و رخداد های بسیاری بخود دیده است. تمامی این حوادث سیاسی با همه پیچیدگی ها و پیچیدگیهایش، حوادثی نبود که بگونه ای از چشم تیز بین حزب توده ایران دور مانده باشد.

حزب توده ایران با جهان بینی علمی و اصولی خود، با آگاهی کامل از اوضاع جامعه و ترکیب و آرایش نیروها، تنها سازمانی بوده است که تحلیل مشخص و تاریخی از اوضاع مشخص ارائه داده است. اسناد، اعلامیه ها و تحلیل های تاریخی متعدد حزب که در طی این مدت منتشر شده است، گواه بارز این مدعاست.

یکی از اهدافی که امپریالیسم و ایادی دلتلی آن از یورش به حزب توده ایران، دنبال میکنند، زیر علامت سوال گذاشتن مشی حزب است. امپریالیسم به اهمیت مشی انقلابی حزب توده ایران واقف است و بهر وسیله ممکن میکوشد تا از تحقق آن جلوگیری کند. آنها شایع می کنند که گویا مشی حزب شکست خورده و تحلیل های منطبق با واقعیات و عینیات جامعه نبوده است! در حالی که حوادث اخیر درستی مشی حزب را که متکی بر سنگ خارا ئی از تئوری علمی و انقلابی است، بطور کامل به ثبوت رسانیده است.

رفیق نورالدین کیانوری در یک جلسه پرسش و پاسخ (دی ماه ۵۸) امکان سازش نیروهای درون حاکمیت را با امپریالیسم منتفی ندانسته، داهیانه پیش بینی می کند که در صورت غلبه راستگرایان و تحکیم موضع آنان در حاکمیت سرکوب و قتل عام کمونیست ها و چپ های مترقی آغاز شده و انقلاب یا شکست مواجه خواهد شد. نظر به اهمیت ارزش تاریخی این پرسش و پاسخ، که کلمه به کلمه مسائل مطروحه آن در شرایط امروزی مینشان بوقوع پیوسته می- پیوندد، به انتشار آن در "راه توده" مبادرت می ورزیم.

س- آیا سرنوشت کمونیست های عراقی در انتظار حزب ما نیست؟

ج- رفقا! این سؤال بسیار جدی است و من آن را فضل تر پاسخ خواهم داد. زیرا عبده زیادی از ما می پرسند: آیا ممکن نیست مبارزهای که امروز در ایران جریان دارد و شما از آن پشتیبانی می کنید، در مراحل بعدی تغییر جهت بدهد؟ یعنی نیروهای اسلامی به دلیل کسب موفقیت و یا سازش، دست از مبارزه علیه امپریالیسم - دشمن امروزی خود - بردارند و مبارزه

علیه کمونیسم و سازمانهای مترقی چپ ایران را آغاز کنند، و یا دست به سرکوب هایی بزنند که مانند آن در بسیاری از کشورها علیه کمونیست ها انجام گرفته است؟ ما به هیچ وجه پیدایش چنین امکانی را در تحول شرایط اجتماعی ایران، پسه کلی نفی نمی کنیم. ممکن است در شرایط آینده ایران وضعی پیش بیاید که نیروهای راست بتوانند انقلاب را با شکست رویرو سازند، مواضع محکمی به دست آورند و سمت گیری اصلی ضد امپریالیستی دموکراتیک و خلقی آن را تغییر دهند و به نیرو های چپ حمله ور شوند و حتی آنها را قتل عام کنند. ممکن است حتی وضعی برآید که سراز هراق، مانند اندونزی پیش بیاید. چه کسی می تواند تعهد کند و ضمانت بدهد که امکان تحقق چنین چیزی وجود ندارد و به ثبوت اسناد برود و امضا هم بدهد! ما به عنوان یک حزب سیاسی چنین امکانی را به طور مطلق نفی نمی کنیم. ما می گوئیم تا چنین وضعی پیش نیاید. تمام تلاش ما برای اتخاذ سیاست درست، به خاطر این است که چنین فاجعه ای رخ ندهد. به همین جهت، از تمام نیروهای سالم انقلابی می خواهیم تا در جهت هر چه عمیق تر و پیگیرتر کردن مبارزه علیه امپریالیسم با تمام قوا بکوشند، تا احتمال چنین بازگشتی را از بین ببرند و یا آن را کمتر کنند. اگر موضع گیری های ما را با دقت خوانده باشید، می بینید که ما گفتاریم باید دست آورد های انقلاب ایران را تحکیم و تثبیت کنیم، آنها را گسترش دهیم و در درجه اول بکوشیم تا این دست آورد های برگشت ناپذیر گردند. یکی از دست آورد های انقلاب ایران همین دموکراسی خلقی است که هم اکنون وجود دارد. امکان فعالیت نیروهای چپ، حتی در این جو نیرومند و همه گیر مد هیمن ما با تمام نیروی خود در تحکیم، تثبیت و بازگشت نا پذیر شدن این دست آورد ها می کوشیم. البته لازم به تذکر است که اگر نتوانیم در این کار موفق شویم، دلیل نادرستی سیاست ما نخواهند بود.

سیاست حزب کمونیست آلمان در جلوگیری از پیروزی فاشیسم در آلمان هیتلری، سیاست اتخاذ همه نیروهای طبقه کارگر و تمام احزاب دموکرات چپ بود. این حزب، پس از جنگ بین الملل اول در برابر حمله فاشیسم، چنین سیاستی را دنبال می کرد، اما با ناکامی رویرو شد. این دلیلی پسر نادرستی سیاستش نبود. به عکس، پیروزی فاشیسم درستی سیاست حزب کمونیست آلمان را تأیید کرد. چرا؟ زیرا حزب بسیار کوشید تا جنبه های پر ضد فاشیسم به وجود آورد، اما نیرو های دیگر با کارشکنی، ضعف و سازش خود ایجاد چنین جنبه های را با مانع رویرو کردند. در برهه فعال نیز، حزب کمونیست بسیار کوشید تا جنبه متحدی برای جلوگیری از بازگشت سرمایه داری

و نیروهای راست ایجاد کند، و با اینکراه درستی در پیش گرفته بود، با عدم موفقیت رویرو شد. زیرا چپ گراها، و سوسیالیست های سازشکار، از روز نخست حاضر به شرکت در چنین جنبه های نشدند. اگر چنین جنبه های تشکیل شده بود می توانست بسا به دست آوردن اکثریت مطلق در مجلس و دولت، به اصلاحات عمیق اجتماعی بپردازد و از این طریق، انقلاب را پایدار گشت ناپذیر کند. اما چپگرایان و دموکراتها با سیاست های نادرست، افراطی و حادثه جو- یانه، و رهبران سوسیالیست با سازش های خیالی - نت بار خود، چنین شکستی را به جنبش پرتغال تحمیل کردند.

به این ترتیب تمام سیاست ما برای پیش گیری از چنین احتمالاتی است. ما بعددوستانی که این پرسش ها را مطرح می کنند و زنده یاری می دهند، می گوئیم بیایید با ما همکاری کنید تا از پیدایش چنین امکانی جلوگیری کنیم. اگر چنین وضعی پیش بیاید و فاشیست های ایرانی به قدرت برسند، ما و همه شما را از دم تیغ خواهند گذراند. ما نمونه های شیلیسی، اندونزی و حتی مصر را در پیش رو داریم و می دانیم که در این کشورها چه جنایاتی علیه نیرو های مترقی انجام گرفته و می گیرد. نمونه ۲۸ مرداد را نباید فراموش کرد. ممکن است نمونه ۸ مرداد به اشکال دیگری بروز کند، و لازم نیست که حتما به سبک شاهنشاهی باشد. ۲۸ مرداد، یعنی کودتای امپریالیستی نیروهای چپا بنگار وابسته به آمریکا، البته نمونه های دیگر آن، یعنی اشکال افراطی مذهبی نیز می تواند رخ دهد. ما معتقدیم تا زمانی که خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی، که همیشه تیزش در جهت ریشه کن ساختن تسلط امپریالیست ها و در درجه اول امپریالیسم آمریکا بوده است، در سیاست کشور نقش تعیین کننده داشته است، ما امکان چنین تفسیری را در سیاست کشور زیاد نمی دانیم. و با وجود همه خرابکاری ها و دسائس رنگارنگ امپریالیستی، نمی پنداریم که این "خط" پسه این زودی ها با شکست رویرو شود. زیرا به نظر ما، هم اکنون خط امام خمینی که مورد پشتیبانی اکثریت قاطع توده های انقلابی ایران است، هواداران بسیار جدی و سرسختی دارد که می تواند تداوم انقلاب ایران را بر پایه اتحاد همه نیرو های ضد امپریالیستی و خلقی در این سنگگیری درست، تضمین نمایند. ولی البته اگر دشمنان انقلاب موفق شوند که جنبش را ناکام سازند، آنوقت امکان چنین بازگشتی هست. به همین جهت، باید با تمام نیرو بکوشیم تا خط امام خمینی را که نقاط بسیار مشترک و مهمی با سایر ست دموکراتیک، خلقی و ضد امپریالیستی نیروهای راستین انقلابی چپ دارد، تقویت کنیم. اگر این نقاط مشترک تثبیت شوند، تضمینی خواهد بود برای اینکه چنین بازگشتی نتواند صورت گیرد.

موج پشتیبانی بین المللی از حزب توده ایران هر روز ابعاد بیشتری بخود می گیرد

بقیه از صفحه ۳

حاکمیت کنونی ایران ، افرادی را به فل و زنجیر کشیده است ، که آوازه ایثارگری آنان بسمرای بهببود بخشیدن به زندگی زحمتکشان میهنشان ، از مرزهای ایران به خارج نفوذ کرده است . این حاکمیت ، اکنون در برابر مردم آزاد یخسواوه جهان ، جواپگوی اعمال فشار و تهدید جان این میهن پرستان است . هیأت حاکم ایران با این اعمال ، وجهه جمهوری اسلامی ایران را میان جهانیان ، منزوی خواهد کرد و تنها دشمنان انقلاب یعنی امپریالیسم و ارتجاع داخلی ، از این اعمال سود خواهند برد .

در پایان بیانییه همبستگی عمیق حزب کمونیست بنگلادش با رهبران ، و کادرها و اعضای در بند حزب توده ایران ابراز و آزادی فوری آنان خواستار گردیده است .

کمیته مرکزی حزب عوامی ملی بنگلادش ، طی نامه ای به دولت ج ۱۰۱۰ بتاريخ ۴ ماهه بدستگیری و شکنجه اعضای کادر مرکزی حزب توده ایران و اعلام انحلال حزب از جانب مقامات رسمی دولتی شدیداً اعتراض نموده و ضمن برشمردن اهمیت نقش تاریخی حزب و اعضای آن در پیشبرد مبارزه اش علیه امپریالیسم و ارتجاع و منافعی که این اعمال فشارها برای این محافل در بردارد ، آزا - دی فوری زندانیان تودهای و رفع تعقیب از حزب را خواستار گردیده است . همچنین بیانییه مسیوطی نیز در این مورد از طرف کمیته مرکزی حزب عوامی ملی بنگلادش منتشر شده که در آن به نقش حزب توده ایران در رویدادهای کشور و سهمی که در جریان انقلاب داشته است ، نفوذ محافل راست در حاکمیت و سرکسوب حزب پشابه نقشه امپریالیسم و ارتجاع بررسی شده و نگرانی عمیق مردم بنگلادش را از شدت شکنجه رهبری حزب که سالیان طولانی سیاهچالهای رژیم دیکتاتوری شاه و شکنجه های مزدوران ساواک را تحمل کرده و اینک دگربار به چنگال همین ددان که اکنون بخدمت جمهوری اسلامی در آمد مانده ، گرفتار آمده اند ، بیان کرده است و در خاتمه همبستگی عمیق مردم و کمونیستهای بنگلادش را با مبارزات استقلال طلبانه مردم ایران و مبارزین در بند تودهای اعلام نموده در بیانییه همچنین تصریح شده است که بدون آزاد ساختن رهبران و اعضای حزب توده ایران ، روند انقلاب بدست نیروهای راست افراطی و پش کک امپریالیسم و ارتجاع بعقب رانده خواهد شد .

برنامه کودتای خزنده آمریکا و ارتجاع داخلی در ایران

همبستگی با حزب توده ایران و مبارزین در بند آن ، روز بروز قوت بیشتری میگیرد . روز چهارم ماه مه در جلسهای که تحت عنوان " همبستگی بین المللی " توسط هوا داران

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در نیویورک برگزار شد ، چندین سازمان ترقی آمریکائی و بین المللی ، از جمله حزب کمونیست و سازمان جوانان کمونیست آمریکا ، سازمان هواداران جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین و سازمان جوانان هواداران این جبهه ، نماینده کنگرس ملی آفریقا ANC (آفریقای جنوبی) ، دوستان آمریکائی انقلاب ایران AFRI ، سازمان هواداران جبهه دمکراتیک ترقی یمن شمالی در آمریکا و شورای صلح شرکت داشتند . جلسه با سخنرانی رفیق هنری وینستون ، صدر هیئت رئیسه حزب کمونیست ایالات متحد آمریکا در ارتباط با وقایع اخیر ایران و انترناسیونال - لیسم پرولتری آغاز شد . وی در سخنانش از جمله اظهار داشت :

" ما با شرمندگی سیاست دولت خود را تعقیب می کنیم ، سیاستی که پیش از انقلاب ایران ، جهت حفظ حکومت شاه و اکنون در جهت حمایت از کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی و بخاطر خنثی کردن دستاوردهای انقلاب ایران ، اعمال می - شود . مردم ایران شاه را سرنگون نکردند که حکومت وی بجز بزرگان و تنها پنتاگون و ریگان خواهان بازگشت چنین حکومتی هستند .

رفیق وینستون ، سپس با اشاره به مسائله دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران ، این اعمال وحشیانه را بخشی از برنامه کودتای خزنده آمریکا و ارتجاع داخلی در ایران دانسته و بویژه مسئولیت سنگین کمونیستهای آمریکا در این رابطه را بر شمرده و همبستگی با مل آنان را با حزب توده ایران و رفقای در بند اعلام داشت .

نماینده سازمان دوستان آمریکائی انقلاب ایران AFRI ، در سخنان خود از جمله این اظهار داشت :

" خیانت " اعضای حزب توده ایران در آن است که همواره در صف مقدم مبارزه مردم میهنشان بر علیه امپریالیسم و ارتجاع ، بجای داشته اند و بدیبهی است که امپریالیسم و عمال آن ، هیچگاه چنین " خیانتی " را نخواهند بخشید !

نماینده سازمان هواداران جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین ضمن بررسی اوضاع ایران و شگردهای ارتجاع در منطقه و در جهان ، و مسأله دستگیری و شکنجه رهبران و کادرهای حزب توده ایران ، به تشریح اهداف امپریالیسم و ارتجاع در مورد پیاده کردن برنامه کودتا در ایران پرداخت و افزود :

" اما شرایط در سال ۱۹۸۳ ، با سال ۱۹۵۲ ، تفاوت ماهوی دارد . موازنه قوا طی این سالها بزبان ارتجاع جهانی و در جهت منافع اردوگاه زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ، دگرگون شده است و این نیرو نقشه های امپریالیسم را خنثی خواهد نمود .

نماینده کنگرس ملی آفریقا ANC (آفریقای جنوبی) طی بیانات مسیوطی در مورد توطئه های امپریالیسم در جهان ، به وقایع اخیر ایران ، دستگیری و شکنجه و آزار کادر رهبری حزب توده ایران ، اشاره کرده و اعلام داشت که حزب توده ایران در مبارزه خود بخاطر استقلال و آزادی میهن همواره از پشتیبانی نیروهای ترقیخواه جهان برخوردار بوده و به سه روزه در قطع کنونی که ارتجاع هار دگر باره حزب و اعضای فدای آنرا مورد حمله سبانه خود قرار داده است ، این همبستگی بین المللی با اهداف مردمی حزب ، هرچه استوارتر میگردد .

اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی و دانشجویان زیبا بوه در شهر آرلینگتن ، واقع در ایالت تکساس ، با اعضای قطعنامه هائی ، همبستگی خود را با حزب توده ایران و رهبران و اعضای در بند آن ابراز داشته و شکنجه های وارده بدانان را شدیداً محکوم نمودند .

در این قطعنامه ها ، پس از اشاره به تاریخچه مبارزاتی حزب ، ضرورت آزادی ایسن مبارزین و رفع تعقیب از حزب و خطری که در غیر اینصورت انقلاب ایران را تهدید می کند ، تصریح شده است .

اعلام همبستگی همه جانبه حزب کمونیست یونان با کمونیست های ایران

هیأتی از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران ، در روز دوشنبه سی ام ماه مه ، در دفتر کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان با رفقا ORESTIS KOLOZOF ، عضو علی البدل هیأت سیاسی و ANTONI KALOBOGIA ، عضو کمیته مرکزی و GEORGIOS PAPANETROS ، عضو علی البدل کمیته مرکزی حزب ، ملاقاتی بعمل آورد . هیأت نمایندگی حزب توده ایران ، در جریان این ملاقات ، پس از اظهار تشکرسراز همبستگی کمونیستهای یونان با رهبران و اعضای در بند حزب ، نگرانی خویش را در مورد خطری که جان نورالدین کیانوری ، دبیر اول و سایر زندانیان تودهای را تهدید می کند ، بیان نمود . این هیأت ضمناً تأکید نمود که صحنه " اعترافات " رهبران حزب قبلاً طرح ریزی شده و در اشهر شکنجه های وحشیانه جسمی و روانی و تحسنت تأثیر استفاده از داروهای شیمیائی بدست آمده است و اظهار داشت که جهت نجسبات دادن جان این افراد ، بسیج هر چه بیشتر افکار عمومی دمکراتیک بین المللی با خواست های زیر ضروری است :

بقیه در صفحه ۱۶

"واکنش گرم" کنفرانس ویلیامز بورگ نسبت به "پیش درآمد" های ایران

پیام ها و تماسهای آشکار و نهان مقامات رسمی و نیمه رسمی ایران منطبق با شعار دوگانه در گفتار و در کردار "نه شرقی، نه غربی" مستوفی لاین جمهوری اسلامی، در کنفرانس سران هفت کشور امپریالیستی در شهر ویلیامز بورگ آمریکا، چنان شعف انگیز بوده است، که "پیش درآمد" های "ایران مبنی بر" بهبود روابط حسنه با این کشورها " یا واکنش گرمی رویو شده است و چراغ ورود این کشورها برخلاف ادعای چند هفته پیش هاشمی رفسنجانی، با روشنایی بدون حاشائی رنگ سبز را نشان می دهد.

در این کنفرانس، بطور غم وجود اختلاف نظر میان سران کشورهای امپریالیستی در مورد مسائل مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی، آنهمسا همچون کنفرانس کواد الوپ که در آستانه پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران در راه کسب استقلال واقعی تشکیل شده بود، در یک مورد اتفاق نظر کامل دارند و آن چگونگی به بیراهه کشاندن انقلاب ایران، مسخ آن و در نهایت سقوط دامن ایران به وابستگی کامل اقتصادی، سیاسی و نظامی می به امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا می باشد. اگر در کنفرانس کواد الوپ، مطرح دستاورد و توطئه های رنگارنگ دشمنان انقلاب ایران، یعنی امپریالیستها و ارتجاع جهانی و ضد انقلاب داخلی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در جریان بود، در کنفرانس اخیر بعد از کسب مواضع حساس و کلیدی در ایران بوسیله نیروهای جبهه براندازی و نیروهای جبهه سازش و تسلیم، چگونگی مشارکت همه جانبه جمهوری اسلامی در جنگ صلیبی علیه کونیسم و چگونگی به اسارت در آوردن وسیع و کامل اقتصاد و سیاست ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

روزنامه "گاردین" مورخ ۲۱ ماه مه ۱۹۸۲

با استناد به گزارش "واشنگتن پست" از کنفرانس اقتصاد سران هفت کشور سرمایه داری در شهر ویلیامز بورگ آمریکا تحت عنوان "پیش درآمد های ایران، با واکنش گرمی رویو می شوند"، می نویسد:

"وزرای خارجه به مضمون جنجالی راه هائی، جهت دادن جوابی متقابل به پیش درآمد های اخیر ایران مبنی بر بهبود بخشیدن به روابط با این کشور به توافق رسیدند."

درست در زمانی که ایران بخاطر دستاورد و توطئه های رنگارنگ دشمنان انقلاب ایران در

خط برزیل در حال فاصله گرفتن از کشورهای دوست و حامی انقلاب ایران می باشد و فرصت های گرانبهای بهره گیری از امکانات جهانی،

بمنظور ادامه مبارزه ضد امپریالیستی و کسب استقلال واقعی را از دست می دهد، بخاطر هائی

از "بن بست امپریالیسم ساخته و ارتجاع پردها - خت اقتصادی و سیاسی" دست حاجت به

سوی امپریالیسم و سرمایه داری جهانی در ایران می کند، بی جهت نیست که وزرای خارجه هفت

کشور عده سرمایه داری با خوشحالی به این نتیجه رسیدند که "ایران فعالیت شدیدی را با

هدف شکستن انزوای خود آغاز کرده است."

روزنامه "گاردین" چنین ادامه می دهد:

"گزارشهای رسیده حاکی از این است که در ماه های اخیر حاملین پیامهای آشتی جویانه

از طرف دولت ایران بمنظور افزایش تجارت و گسترش روابط سیاسی با عده ای از ایمن وزرا

تماس حاصل کرده اند..."

"گنشر وزیر امور خارجه" آلمان غربی اظهار داشت که نواب، سفیر ایران در برلین، در هفته

گذشته از وی تقاضای ابلاغات ویزای کرده بود. در این ملاقات سفیر ایران تمایل وافر کشور خود

را جهت تقویت همکاری در زمینه های سیاسی،

اقتصادی و فرهنگی تأیید کرده است. کنشگر گفت که او بسیار تحت تأثیر بیانات و اظهارات نواب قرار گرفته و اصرار دارد که کشورهای غربی به چنین درخواستی از جانب دولت ایسران پاسخ مثبت دهند.

گاردین همچنین ادامه می دهد:

"هیئت کانادائی در این کنفرانس فاش ساخت که در ماه های اخیر جهت بررسی

امکان بازگشتی مجدد سفارت کانادا در تورنتو، تماسهایی با مقامات رسمی ایران حاصل شده است."

روزنامه انگلیسی گاردین ضمن توضیح طبل بسته شدن سفارت کانادا مبنی بر شرکت کارمنه

ان این سفارت در اختفای چند ماهه و فسرار عده ای از دیپلماتهای آمریکائی از ایران، می نویسد:

"فرانسه نیز با وجود کنکهای تسلیحاتی قابل توجه به دولت عراق، مذاکرات با ایران را

مبنی بر بهبود مناسبات دو کشور از سر گرفته است."

گاردین پس از طرح گزارش مناسبات ایران و فرانسه چنین ادامه می دهد:

"زبان که قسمت اعظم نفت ایران را خریداری می کند، بطور نسبی روابط حسنه ای را با رژیم

ایران حفظ کرده است. مقامات رسمی ژاپن تشریح نمودند که ایشان نیز در تهران رفیقت و

توجه به تقویت روابط تجارتي را مشاهده کرده اند و سرعت و خوش حسایی ایران را در بازپرداخت

بدهی های خود ستودمانند."

این گفتارها و گزارشات، توجه کنندگراش حاکمیت در دولت جمهوری اسلامی ایران به

جانبی است که باعث شده است ریگان، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا و میزبان سران

کشورهای عده سرمایه داری در کنفرانس ویلیامز بورگ، دولت ایران را با اصطلاحات "دولت میانه

رو" و "مورد قبول آمریکا" توصیف کرده و خواهان استقرار آن در ایران شده است. بی

جهت نیست که در این کنفرانس وزرای امور خارجه طبق نوشته "واشنگتن پست" به سرعت

به این توافق رسیدند که جهت سوق دادن دولت ایران به جانب دولتی میانه رو، با بستنی

به در باغ سبز نشان دادن آن (بمنظور گسترش روابط با غرب) روی خوش نشان داده

شده و بویژه احتمالات زیر نفوذ شوروی قسرار گرفتن این دولت ختنی شود. این تماسها و

پیام های آشتی جویانه آشکار و نهان با امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا توسط مقامات رسمی و نیمه رسمی جمهوری اسلامی ایران

از قبیل نواب و آیت الله یدالله موسوی جزایری که مورد تأیید وزرای خارجه کشورهای عده

سرمایه داری قرار گرفته، امپریالیسم را آنچنان به وجد آورده است که هنوز به "رنگ" دستاورد خود نرسیده، با اطمینان به "نغمه" بعد

از "پیش درآمد" ایران با "واکنش گرمی" به شیوه ددمنشانه به رقص و پایکوبی درآمد

است.

فراخوان کمیته برون مرزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۴

یک برنامه انقلابی و واحد جمع شوند و با اعلام مواضع خود در دفاع از انقلاب و دستاورد های آن و اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وظیفه تجهیز و سرکردگی خلق انقلابی را به عهده بگیرند، انقلاب به شکست کشاننده خواهد شد!

این است حکم تاریخ و انتظار انقلاب زخم خورده و در خطر، از همه نیروهای وفادار به اهداف انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و مردمی ۲۲ بهمن. این است وظیفه انقلابیون ملتقی، که مکر ضد انقلاب، تسلیم طلبی ماشانگران، بارو

مسئولیت رهبری انقلاب "بی سر" شده را بر عهده آنها گذاشته است!

حزب توده ایسران، حزب طبقه کارگر ایران همانطور که در اسناد رسمی خود یادآور شده از هیچ کوششی در راه پاییزی چنین جبهه متحد انقلابیون راستین کوتاه نمی گردد و نخواهد کرد.

کمیته برون مرزی حزب توده ایران از تمام مسلمانان مبارز و تمام انقلابیون راستین و دگراندیش می طلبد، برای تشکیل جبهه متحد خلق بکوشند و دست دوستی ما را بفشارند!

زنده باد انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و مردمی میهن ما!

دروذبی پایان برون مرزی پانک شهدای انقلاب!

پیش به سوی تشکیل جبهه متحد خلق!

کمیته برون مرزی حزب توده ایران

پنجشنبه خرداد ۱۳۶۲

در هفته‌ای که گذشت:

کارنامه چهار ماهه "ستاد پیگیری"

در هفته گذشته مسئولین "ستاد پیگیری" خود را ملزم دیدند که در پاسخ اعتراضات فزاینده توده‌های مردم "کارنامه ۴ ماهه" کار خود را عرضه کنند. کارنامه‌ای که جز رسوایی برای تسلیم طلبان و تفق رانگرایان و ضد انقلاب پر حاکمیت جمهوری اسلامی در بر ندارد.

در واقع هم کارنامه چهار ماهه "ستاد پیگیری" و رویدادهای اتفاقی افتاده در ۴ ماه گذشته نشانگر آنست که بقول خود مسئولین این ستاد "بعقیده ما این کار روی امنیت سرمایه - گذاری و توسعه بسیار تأثیر داشته". یعنی بزیان دیگر پیوسته بود آوردن امنیت همه جانبه برای "سرمایه" و برداشتن تمام موانع موجود از سر راه آن و هر آنچه این مهم را به خطر بیندازد، است. به همین جهت ستاد باید و نظر دیگر مسئولین درجه اول جمهوری اسلامی ایران با تفسیر "سرمایه" پسند خود از پیام هشت ماده‌ای بجای رفع موانع و تسهیلات از سازمانها و احزاب دگراندیش و مدافع انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی مان یا استفاده از بند ۴ و ۵ و ۶ پیام با تأیید پیگرد و بازداشت غیر قانونی و شکنجه وحشیانه اعضا و رهبران حزب تسوده" ایران عملاً خد متکاری خود را در حفظ و امنیت "سرمایه" اثبات کرد.

مسئولین "ستاد" در گزارش خود چیزی نداشتند بگویند، جز اینکه "مسائل پیچیده ۰۰۰ نظیر توزیع و زمینهای مزروعی ۰۰۰ بکلر سشاد مربوط نمی‌شود ۰۰۰"

آقایان مسئولین ستاد که تا دیروز "گسترش عدالت و حفظ حریم مقدس قانون و جلوگیری از تعدی و تجاوز به حریم آزاد بیهای فردی و اجتماع - عی" را وظیفه خود میدانستند و ضمن فرمان را با لگام زدن بر خود سربها و قانون شکنی‌ها و قطع ریشه‌های تجاوزات و غارت سرمایه‌داری بی - بند و بار وعده میدادند، اینک که خود تسلیم غارتگران "سرمایه" شده‌اند، خواسته‌های پر حق مردم را "بالا رفتن توقعات مردم" می - شمارند.

مسئولین ستاد در رابطه با اموال توقیفی می‌گویند:

"که پس از این فرمان، این مسئله که مشکل بسیار پیچیده‌ای شده بود تا حد بسیار زیادی مرتفع شده، صاحبان اموال را پیدا کرد ماند و رضایتشان جلب شده" و ادامه میدهند که: "مقداری از این مسائل مربوط به زمینهای توقیفی است که در سالهای ۵۸ و ۵۹ و احیاناً ۶۰ توقیف و به زارعین داده شده بود و زارعین بر سر آنها مشغول کشت شده‌اند. اما پس از مدتی مالکین شکایت کردند و در این زمینه ما نتوانستیم احکام قاطع بدیم".

آنچه که مردم ایران در این چهار ماهه از کار "پیگیری" دیدند، چیزی نبوده است جز اینکه:

- زمینهای تقسیم شده بین دهقانان از آنبلن پس گرفته شده و فنود آنها با "سند" بسه روستاها باز می‌گردند؛
- عوامل طاغوتی، لیبیرال، ساواکی و حجتیه ای دوباره کارخانه‌ها، دانشگاهها، ادارات وازگا - تنها را اشغال می‌کنند؛
- جنایتکاران ساواک از زندانها آزاد می‌شوند؛
- و بالاخره تنها اثر مثبتی که "فرمان" می - توانست داشته باشد، و بهمین دلیل نیز در بدو صدور امیدی در دل همه انقلابیون به پایان دادن به قانون شکنی‌ها برانگیخت، با هجوم اخیر به حزب تسوده" ایران، با یورش شهبانه به خانه و کاشانه هزاران تن از فرزندان این خلق، با به بند کشیدن افراد بیگناه و میهن - دوستان انقلابی، با شکنجه و وحشیانه یساران وفادار کارگران و زحمتکشان ایران و ۰۰۰ دیگر نه تنها مطرح نیست، بلکه خود "فرمان" بهمان صورت که سرمایه‌داران و بزرگ مالکسان می‌خواستند و تعبیر می‌کردند به اجرا در آمده است.

این "کارنامه" جز سرافکنندگی برای آنها بیکه بجای عمل انقلابی، شکایات حق طلبانه مردم را به یکدیگر و به جامعه "پاس" می‌داند و بیار نمی‌آورد.

کلان چپاول گران بازار، زمامداران اقتصاد و سیاست کشور

در این هفته روزنامه‌ها سند افشا کنند های منتشر کردند که حاکی از تسلط کامل سرمایه‌داران غارتگر بازار بر "شرکت سهامی گسترش خدمات بازرگانی"، "مرکز تهیه و توزیع فلزات"، "کمیته امور صنفی" و "سازمان مرکزی تعاون کشور" که همگی سازمانهای دولتی تابع وزارت بازرگانی آنده می‌باشد، دیوان عدالت اداری حکم به مجرمیت امثال پهرستاد و خاموشی داده است. ایمن حضرات و همدستانشان با کنترل کامل نظام توزیع کشور، "اختیارات" واگذار کرده‌اند، منزل و منصب کرده‌اند، شرکت‌های واقعی تعاونی را تعطیل و "کارشل" های سرمایه‌داری با اسم "شرکت تعاونی" تشکیل داده‌اند، میلیونها تومان وجوه آهن و شیشه و ۰۰۰ را "بسیالا" کشیدند و "کار" را بجای رساندند که دیوان عدالت اداری در حکم خود بنویسد:

"تخلف آنان ۰۰۰ محرز و مسلم است" و نیز "چگونه می‌توان این اعمال را مخالف صریح با مقررات و قوانین جاریه و حاکم ندانست؟" لازم به توضیح است که دیوان عدالت اداری درباره مجازات این گردانندگان "مافیای" بازار تصمیمی نگرفته و این تصمیم به دیگران

"حواله" داده شده است. با توجه به اینکه دستگاه قضایی ایران همان دستگاه قضایی است که مستأجرین را خیلی سهل و آسان از خانه خود بیرون می‌کند، زمین‌ها را به فتودال‌ها پس می - دهد، برای پیگیرترین مدافعین انقلاب پرونده - سازی می‌کند، حجت الاسلام امید نجف‌آبادی را به "جرم" صادره زمین بنفع دهقانان، به "جرم" محاکمه و مجازات میراشرافی‌ها به پای میز محاکمه می‌کشد (آنهم بدستور "ستاد پیگیری"!)، از این دستگاه قضایی انتظار نمی - رود که کوچکترین گامی در جهت مجازات این سردمداران غارت و چپاول بردارد.

قانون ارتجاعی مالک و مستأجر اجرامی شود

خوانندگان "راه تسوده" بیاد دارند که سال گذشته، مجلس قانونی پس ارتجاعی و مستأجر ستیز درباره "مسأله" موجر و مستأجر به تصویب رساند که از قانون رژیم شاه نیز عقب تر بود. با این وجه، این قانون مورد تأیید مدافعین کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان در شورای نگهبان قرار نگرفت!

وجه ارتجاعی قانون تشدید شد و این بار، قانون را شورای نگهبان تصویب کرد. با تصویب این قانون، موجرین حق دارند که هر وقت مستأ - جرتا "موعد مقرر" اجاره بها را نپردازد، مستأ - جردون چون و چرا حکم تخلیه بگیرند. این قانون از هم اکنون قابل اجرا است. تنهسا "دل‌داری" که دست‌اندرکاران به مستأجرین می‌دهند، این است که گویا اگر تخلیه باعث "عسر و حرج" (ظاهراً یعنی بزرگمندان) است - جرشود، اجرای آن عقب می‌افتد و تازه آنهم به شرطی که عقب افتادن اجرای حکم، باعث "عسر و حرج" موجر نشود! (رجوع کنید به اظهارات رئیس دادگاههای صلح تهران در روزنامه‌های دوم خرداد ماه.)

واضح است که تشخیص اینکه بالاخره در رفع "عسر و حرج" چه کسی مقدم است، در جامعه - ای که زر و زور و تزویر حاکم است، نه بنفع مستأ - جرتین کم درآید، که بسود صاحبان مستغلات کلان و املاک بزرگ انجام خواهد گرفت.

وقتی توکلی مدافع حقوق کارگران می‌شود

آقای توکلی، "سنگلی" حکومت جمهوری اسلامی و وزیر کار و امور اجتماعی، ضمن "مژده دادن" به کارگران که نرخ دستزدشان تا يك سال افزایش نخواهد یافت، "لطف کردند" و به کارگران "اجازه دادند" که "از ۳۵ درصد اضافه کاری که وزارت کار برای آنها در نظر گرفته است، استفاده کنند". ("اطلاعات" یکشنبه اول خرداد) یعنی استثمار بیشتر و وحشیانه‌تر برای کارگران.

آقای توکلی همچنین پس از ماهها اعتراض مداوم کارگران انقلابی به اخراج دسته دسته برادرانشان از کارخانه‌ها، از "لاچسهای" بقیه در صفحه ۱۳

در هفته‌ای که گذشته

بقیه از صفحه ۱۲

سخن گفتند که گویا به وزارت کار اختیار می‌دهد " کارگرانی را که اخراج آنها جنبه سیاسی و اجتماعی ندارد " ! به سرکار بازگرداندند. حتماً این " الطاف " آقای وزیر کار شامل حال صد ها کارگری که به " جرم " اعتراض به پیش‌نویس ایشان اخراج شده‌اند نخواهد شد، چسرا که بالاخره اخراج آنها جنبه " سیاسی و اجتماعی " دارد!

طبقه کارگر آگاه و هشیار ایران، فریب ایمن ریاکاری‌ها را نخورده و نیازی هم به دست‌سسی خاله خرسه " دشمن سوگند خورده خود" توکلی ندارد. طبقه کارگر ایران با مشکل شدن برای حفظ انقلاب، مشت محکمی بد هان توکلی و سایر دست‌اندرکاران دشمن کارگر و زحمتکش خواهد کوبید.

روستای ایران: صحنه حادترین مبارزات

همانگونه که انتظار می‌رفت، حتی غلبه راستگر ایران در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و پیوسته فراموشی سپردن " سند " دست‌های پینه‌پسته دهقانان، مبارزه دهقانان زحمتکش غلبه بزرگ مالکی نه تنها پایان نیافته، بلکه حادثه‌تر شده است. خوانین بزرگ مالکان با انکاء به قدرت دولتی و به قصد بازس گرفتن زمین‌های تقسیم شده، به دهات باز می‌گردند و در مقابل دهقانان زحمتکش با ایستادگی در مقابل بزرگ مالکان و مدافعان " اسلام پناه " و " متشرع " آنها، با جمع کردن طومار، براه انداختن تظاهرات، با نشستن روی زمین یا تفتاق زنان و کودکان، با کشت شبانه، با کشت و برداشت و محافظت از محصول بطور دسته جمعی، با حمایت از آندسته از مسئولین نهاد های انقلابی که در مقابل هجوم مالکان ایستادگی می‌کنند و ۰۰۰ به مبارزه خویش ادامه می‌دهند.

«دست فئودالها را کوتاه کنید»

ما عدای از کشاورزان (حدود ۵۰ خانوار) روستای " گوراب تولم " از توابع شهرستان صومعه سرا نیز از این نعمت بزرگ انقلاب برخوردار شدیم و زمینهایی که سالیان سال بدون کشت و کار مانده و فئودالی بنام " هوشنگ معظمی لواسانی " مدعی مالکیت آن بوده، از طرف شورای واگذاری زمین بین ما تقسیم شد. در سه سال گذشته تمامی این زمینها توسط روستائینی که زمین بین‌شان تقسیم شده بود، به زیر کشت توتون و برنج و صیفی برده شد. متأسفانه در سال ۵۸ که شورای واگذاری زمین در حال تقسیم زمین بود، فئودال مذکور با پارتی بازی زمین مورد بحث را به ثبوت رسانده است. اینک پس از سه سال که از کشت زمین توسط روستائیان محروم که ما حاصل

هرشان چیزی جز فقر، فلاکت، پد نهایی بیمار خود و فرزند ان چهره‌های سوخته و دست‌های چروکیده نیست و تنها و تنها امید و پشتوانه‌شان به ادامه حیات، همین زمینهایی است که در اختیار دارند می‌گذرد آقای " معظمی " فئودال و خانواده‌اش که ساکن تهران هستند به دروغ در سند جعلی و قلابی، خود را ساکن " گوراب تولم " قلمداد کرده. اینک پس از فرمان " ماده ۸ " که همانند تمامی فرامین رهبر انقلاب موجب رحمت و عزت برای ملت سرافراز ایران است، سو استفاده نمود و با استفاده و بهره برداری از دست‌سپنای پنهان و آشکاری که هنوز در ادارات دولتی وجود دارند شکایت به دادگستری برده و باکمال تأسف دادگستری جمهوری اسلامی تاکنون برای پیش از ۲۰ خانوار از ۵۰ خانوار اخطار رسیده صادر کرده و متهمین را به پای میز محاکمه کشیده است.

ما به تأسف است که عدای از این فرمان رحمت آفرین سو استفاده می‌کنند ما کشاورزان به جمله رهبر انقلاب که فرمودند (به کشاورزان بگوئید که ما نه طرفدار سرمایه دار هستیم و نه طرفدار فئودال) تمسک می‌جوئیم و تقاضا داریم که این گستاخان (فئودالها) که جسرات دهن کجی به دست‌آورد های عظیم انقلاب



اسلامی و خون شهدا پیدا کرد مانند به سر جای خود بنشانند و حق ما را بستانند. والسلام-اضافاً و اثر انگشت اهالی

زبان گویای دهقانان

کیهان مورخ ۱۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۲ نامی از اهالی برخوار از روستاهای استان اصفهان چاپ کرده است. اهالی این روستا که امضاهای خود را زیر این نامه ها گذاشته‌اند، " با زبان و شیوه خود واقعیات امروز جامعه ما را ترسیم کرده اند. با توجه به اظهارات اخیر رهبران جمهوری اسلامی در باره اینکه " عدای می‌گویند برای مستضعفین کاری نشده و این تضعیف جمهوری اسلامی است " خواندن کل این نامه راه که ما عیناً همانطور که کیهان چاپ کرده بود، در اینجا آورد ایم. همه خوانندگان " راه توده " توصیه می‌کنیم دهقانان روستای برخوار به شیوه خود به ایسین اظهارات جواب داد و دهند. هرگونه تفسیر را به خود خوانندگان عزیز " راه توده " واگذار می‌کنیم.

استمداد اهالی برخوار از مسئولین

ما اهالی منطقه برخوار (استان اصفهان) عرض حال می‌کنیم و نگرانی خود را از اتفاقاتیکه پیش آمده است ابراز و اعلام می‌داریم و از مسئولین جمهوری اسلامی ایران خصوصاً مسئولینی که بهرستی در سنگر راستین و اصل خط امام و انقلاب ایستادند و

مبارزه می‌کنند می‌خواهیم که با این مسائل برخورد کنند و اجازه ندهند که خدای نخواستہ دست‌آورد های انقلاب توسط ضد انقلاب بر باد رود و بزمامت که به‌سدار واقسی خون‌گسلی شهدای انقلاب باشیم با توجه به مطالب بالاست که ما مشغول می‌کنیم آیا تفاوت صدام با خان و آمریکا چیست؟

مگر نه اینکه صدام آلت دست استکبار جهانی شده و در عمل دست ضایع کردن حقوق مردم ایران و عراق زد و بر این کار غیر انسانی اش اصرار می‌ورزد مگر آمریکا توسط ابدیش تسبانی و سرمایه‌داران غارتگر نبود که قبل از انقلاب خون ما می‌کید و مگر برای همین بی‌عدالتی و افعال زور از طریق همین نبود که ما انقلاب کرده و هزاران شهید و معلول دادیم پس چرا الان دوباره خانها از جمله برومندها دارند بر میگردند بر گشتن برومندها و میدان دادن به آنها مگر این نیست که در مقابل صدام و صدامیان تقویت می‌بخشند مگر نه آمریکا حضورش دوباره لمس می‌شود و از سؤال می‌کنیم که در این مقطع حساس انقلاب بار اصلی جنگ بدوش خوانین و سرمایه‌داران و مستکبران غارتگر است یا بر دوش کوخ نشینان؟ که حتی زینتالات همسرانشانرا نیز برای جیبها ارسال می‌دارند آیا فرزندان دهقانان الان در صف مقدم جیبه می‌زنند یا فرزندان مالکان بزرگ و خوانها اصلاً اگر در تمام جیبها به گردید یک چه فئودال یا خوان یا سرمایه‌دار پسندای تمکین با وجود اینها آیا باید بپرد دل ما رسیدگی شود یا بپرد دل خوانین و فئودالها متأسفانه ما شاهد آن هستیم که بپرد دل برومندها و خوانین ضد انقلاب رسیدگی شده که فعلاً با چندفئودال خود باز گشتاند و دهقانانرا از روی زمینهای خود بیرون می‌کنند و باز سؤال می‌کنیم که پیروزیهای بی در بی انقلاب برهون امام عزیزمان خمینی بت شکن و حضور مردم در صحنه نبود؟ و الان نیز آیا باز گذاشتن دست برومندها برای افعال ضد انقلابی تقویت حضور مردم در صحنه است؟ با تضعیف حضور مردم در صحنه مسلم است مورد صدق می‌کنند و باز سؤال می‌کنیم که وظیفه هر مسلمان راستین نیست که از خون شهدا پسنداری کند و آیا پسنداری از خون شهدا مگر مبارزه با ظلم و استقرار عدالت اسلامی نیست آیا خوانین منصفه ظلم نبوده یا نیستند پس چه دستهایی در کار بود که اجازه دادند که آنها روی خون شهدا قدم بزنند و در منطقه حضور پیدا کنند و توسط چندفئودالی چون خست‌های رسوائی که در زمان انقلاب هم چاه‌ها را سواک بوند و به ضرب و جرح مردم و دهقانان می‌بردند اینجاست که ما نگران شده‌ایم و از مسئولین محترم دولت می‌خواهیم و از دیگر رهبران صدق و بی‌سرو خط امام باری می‌طلبیم که هر چه زودتر بناد ما برسند و جلو این خوانین مرتجع و زورگو را بگیرند و السلام.

امضاء شده از طرف اهالی

حزب رستاخیزی جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۶

شعارهای عدالت‌جویانه انقلاب هستند و لذا سیاست " کجی‌ها و بدیها " را که دیگر شیوه حکومت آقایان شده است نمی‌پذیرند. آقای رئیس‌جمهور به وجود این افراد معترف است، ولی بر خلاف " ولی نعمتانش " که قصد قلع و قمع قوری آنها را دارند، و حمله به حزب ما پیش-درآمد آنست، به آنان می‌آموزد که میتوان ایسین افراد را در زیر یک سقف جمع کرد، زیرا اینکار مزایایی نیز دارد: " جیبه ما را اینها پر کرد هاند " ، بلی باین خاطر بایستی آنها را زیر چتر حزب فراگیر کرد آورد.

همانطور که شاه و اعوان و نصاراش نتوانستند در حزب رستاخیزشان گرگ و میش را در صلح و آشتی کنار یکدیگر ببینند، حزب جمهوری اسلامی نیز نخواهد توانست کاخ ششینان و کوخ نشینان را و مدافعین این دوشیوه‌مفتضاد هستی اجتماعی را آشتی بدهد. و از هم اکنون با اطمینان می‌توان گفت حزب جمهوری اسلامی مأمون و مکمن کلان سرمایه‌داران، کلان زمین-داران، حجتیه‌پها و تسلیم شدگان به آنها می-باشد. ما باز هم بیشتر درباره این حزب صحبت خواهیم کرد.

"گوبلز" تبلیغات جمهوری اسلامی ایران کیست؟

هدف ما این نیست که بگوئیم تبلیغات کنونی علیه حزب که لحظاتی خاموشی ندارد، سرچشمه اش ۵۰ سال پیش فوران کرد. همه اینها برای هر انسان آزاد مای روشن است.

منظور اینست که بهر سیم و در کنار "فردوست" های سرکوبگر و "اطلاعاتی" کدام "گوبلز" تبلیغاتیست این هجوم ناجوانمردانه را رهبری میکند. شیوه عمل آنقدر مودبانه، ماهرانه و هدفمند است که از افرادی که زندگی خود را در "حجره های حوزة علمیه" گذرانده باشند، چنین مهارتی بعید به نظر میرسد. آنهاست که سالها از تبلیغ انقلاب در میان مردم و افکار عمومی جهان عاجز ماندند و اعمال خود سیمای کژیی از آن نشان دادند. اکنون با به خدمت گرفتن "جعفریان" ها سعی دارند و حزب توده مای ما را "خائن" به منافع ملی ایران معرفی کنند. عد مای ما را حتی فراتر گذاشته و از ته دل آه بر میاورند که حزب توده ایران به شاه نیز خیانت میکند.

روشن است که مبارزه خستگی ناپذیر و ایثارگرانه حزب ما علیه دستگاه اختناق آریامهری در قلموس سرکوبگران کنونی آن "خیانت" قلمداد شود.

روشن است که مبارزه حزب ما برای تأمین حقوق زحمتکشان و پیشبرد اهداف عالی انقلاب، "خیانت" البته به منافع کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران تلقی شود.

روشن است که افشای چهره امپریالیسم آمریکا و متحدان رنگارنگش و کوشش برای بریدن قطعی پاهای آن از ایران "خیانت" به منافع ملی تلقی شود. البته از طرف کسانی که میهن و ملتشان در چمدان پول و حساب بانکی خلاصه میشود.

وقتی که ما میگوئیم اینهمه تبلیغات سو و بوق و کرنا علیه حزب توده ایران نه اصیل است و نه بدیع و حرف دور از واقعیتی نزد مایم. شیوه های سرکوب و تبلیغات چاشنی آن "پدر" خود را از دور لاسو میدهند. تنها باید منتظر ماند که این بقولسی چهره های "سیا" "موسریازان" گمنام، نامسدا ر شوند.

اما باید يك چیز را گفت: حزب توده ایران دیگر دوران بلوغ و جوانی خود را نیگذراند. نهالسی نیست که ریشه هایش هنوز قوام نیافته باشد. حزب توده مای ما سرو تنومندی است که ریشه در توده زحمت دارد و این ریشه آنقدر عمیق فرورفته در قلوب و افکار مردم میهن ما پیوند خورده است که منسرو کوی قطعی آن ممکن است و نه بدنام کردن آن. سیمای آن آنقدر تابناک است که هیچ لجنی مای هر قوتسی هم که بموش پرتاب شود قادر به پوشاندن آن نیست. اگر خود "گوبلز" را نیز به خدمت گیرند، همانطور که اسلافشان به هدف خود دست نیافتند، آنها نیز نخواهند رسید. فقط باید منتظر ماند و دید که گوبلز ایران کیست. انتظار طولانی نخواهد بود. ما مطمئیم!

تبلیغات دروغینی که هرچه وسیعتر باشد و دروغ هایش هر چه گند تر و باور آن آسانتر. شعارشک هم اینست که حتی اگر گوشهای از دروغ نیز توسط مردم باور شود کافی است. شیوه همانست. آنهاست که کمونیستها و دمکراتهای آلمانی را سرکوب میکردند. چنین عمل میکردند. حمله گسترده و سریع و هم زمان به همه کسانی که قبلا شناسائی شد بودند و از طرف دیگر سخنرانی های "گوبلز" و زیرسیر تبلیغات درباره "خطر" این دگر اندیشان.

هدف ما این نیست که شیوه های سرکوب و تبلیغات چاشنی سرکوبی را که نازی ها علیه کمونیستها ی آلمانی اعمال میکردند بررسی کنیم. هدف ما این هم نیست که نشان دهیم چه وجه تشابهی میان شیوه عمل واحد های گشتی که تود مای "شکار" می کنند و واحد های ضربت نازی ها وجود دارد.

حمله سرتاسری و وحشیانه عمال ارتجاع سیاسی به حزب توده ایران و دست زدن به شیوه های کثیف تبلیغاتی در کنار آن، تمام کسانی را که به تاریخ جهان آشنائی دارند، به یاد دوران سیهی میاندازد که نه تنها يك ملت بلکه میرفت بسیاری از خلقها را به ورطه اسارت و نابودی سوق دهنده حزب توده ایران بارها مورد هجوم مخالفان رنگارنگ استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی در میهن ما قرار گرفته است. بارها عنان تبلیغات شدید ضد تود مای را رها ساختند تا آنها در میان خلق منزوی بمانند. اما اینبار عمال کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران از گذشته درس عبرت گرفته اند. تجربه آموختند. از جمله تجربه "طاعون قهوه مای" در آلمان نازی. سرکوب شدید و سریع و همزمان با آن دست زدن به تبلیغات

یک ساواکی انتقام می گیرد

به صورت ریز و مینیا توری چاپ و بطور وسیع در ایران پخش شد. خشم رژیم شاه و ساواکی های چناینگاری که چهره های "سیا" وار خود را در آن منعکس می دیدند، برانگیخت.

این کتاب فقط مقاومت حماسه ای اسیران تود مای را تشریح نمی کند، بلکه به توصیف وضوح همه اسیران، از جمله اسیران مذهبی نیز می پردازد. لذا انتقامی که امروز در روزنامه کیهان از این کتاب علیه رژیم شاه - ونه علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران - واز نویسنده آن گرفته می شود، انتقامی نیست که يك مسلمان صادق و مبارز، اما گمراه بتواند بگیرد، بلکه آنچه که نوشته شده است، می تواند فقط از دماغ يك ساواکی برخاسته باشد، که در زمان رژیم شاه نیز از انتشار "میهن این آقایان" و ضعف خود در جلو گیری از انتشار آن رنج برده است.

این انتقام تبهکاران "سیا" چهره گمنام و بانامی است که در تمام ارگانهای جمهوری اسلامی ایران نفوذ کرده اند و انقلاب را به شکست می کشانند.

در عین حال این انتقام سند تاریخی ای نیز هست علیه آن مسلمانان صادق، که روزی در جوار دیگر شخصیت های این کتاب در همین زندانهای شاه ساخته جمهوری اسلامی ایران اسیر بودند، و اکنون اسیر آزاد همان عناصر سرکوب ساواکی شده اند. اسیرانی که به دست آنها رژیم سیاه سرمایه داری وابسته، که از در راننده شده بود، از پنجره باز می گسرد!

يك ساواکی در روزنامه کیهان، خود را افشا می کند.

مقاله "معنای جاسوسی و اختلاف نام ها" در روزنامه کیهان ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۲ شاهدی است بر نفوذ ساواکی ها - که به زبان عربی نیز خوب وارد هستند - در چند روزنامه مجاز ایران. در این شماره روزنامه کیهان، ساواکی "سیا" - چهره گمنامی، از کتاب "میهن این آقایان" نویسنده آن انتقام می گیرد و از طریق این "بسی" - احتیاطی "منشاء" ساواکی خود را افشا می کند. "میهن این آقایان"، کتابی است که محمود اعتمادزاده (به آذین) در زمان رژیم شاه خائن نوشت و با قبول خطر جان برای خود، آنرا انتشار داد. وی در این کتاب جریان دستگیری و زندانی شدن خود را در سیاهجا - لهای رژیم شاه، در جوار رفقای تود مای و دیگر مبارزان رژیم شاه، از جمله مسلمانان مبارز ترسیم می کند. این کتاب که در زمان رژیم شاه، چنه در داخل ایران و چه در خارج از کشور به طور وسیع پخش شد، پرده از روی جنایات رژیم شاه در زندانهای آن برداشت و از جمله کمک کرد به موج همبستگی بین المللی با اسیران رژیم شاه از جمله نتایج افشاکاری این کتاب مسافرت گروههای بین المللی به زندانهای رژیم شاه بود. از این طریق بند هایی به دست رژیم سلطنتی ساواک در اعمال فشار و تضییق بیشتر علیه اسیران زده شد.

این کتاب که علیرغم حضور ساواک در همه جا

مرگ بر امپریالیسم جهانخواه آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

نامه خوانندگان

رفیق جوان تودهای در نامه‌ای می‌نویسد:

رفقا، اولین باریست که احتیاج قلم برگرفتن و نوشتن را احساس میکنم. اولین باریست که شعر میگویم.

صحنه‌هایی از به اصطلاح "اقرار" رفیق کیانوری را در تلویزیون دیدم مردم و زنده شدم. تمام شکنجه‌هایی را که رفیق کشیده مجسم کردم. انگار من را شکنجه کرده‌اند. تمام شب چشم برهم نگذاشتم. هر لحظه بیداری، قطره‌ای بود که بر روی اعتمادم به رفیق کیانوری اضافه میشد. وقتی فکر میکنم که یکی از مقاصد شوم امپریالیسم در این صحنه سازی، لجن پراکنسی مجدد بر رفقای کمیته مرکزی، بخصوص رفیق کیانوری است، دردم تازه میشود. فکر اینکه دوباره کلماتی مثل خائن و جاسوس و دیگر کلمات امپریالیسم و ساواک ساخته، ورد زبان هر مسلمان آمریکائی شده و از راه رسیده یا هر ساواکی و ضد انقلاب وابسته شود، مرا شکنجه میدهد. باید دردم را با شما در میان میگذاشتم. این شعر را به رفیق کیانوری هدیه میکنم. با تمام وجود امیدوارم که روزی آن را بخواند.

قله اعتماد

کیا جان دوست دارم احساس دردم جوشان است دلم را بریز کردند خوشحالند، میخندند ولی، یا توجه ها کردند؟ یا توای گنجینه من با هر تار و پودم در هر لحظه وجودم، یا توام با توام ای قله اعتماد.

سوم مه ۱۹۸۳

رفیق علی م. در نامه‌ای به ما ضمن ابراز نگرانی از سیر قهرقایی جمهوری اسلامی و خطر ناشی از آن برای تداوم انقلاب، و ابراز تأسف از دستگیریها و شکنجه‌های رهبران و اعضای حزب، به افشای آنهایی میپردازد که دانسته تیشه به ریشه انقلاب خونین مردم می‌زنند.

یک افغانی مسلمان مقیم آلمان فدرال، در نامه‌ای به "راه توده"، ضمن خبر ارسال نامه‌ای از سوی خویش به رهبری جمهوری اسلامی و ابراز نگرانی از تحولات منفی اخیر، از جمله مسی- نویسد: تا بحال سیر تکامل انقلاب ایران را با علاقمندی خاصی تعقیب کرده‌ام. متأسفانه تحولات اخیر در ایران باعث نگرانی بیحد من شده و ترس و وحشت در من ایجاد کرده است که

این گوی و این میدان!

برای اثبات حقانیت حزب توده ایران به دادگاه می‌آئیم

در کشورهای سرمایه داری، همراه اصل شناسا- نامه و پاسپورت و مدارک تحصیلی و ده قطعه عکس و ضد بزرگ فتوکپی آنها، و وصیت نامه سیاسی خود، یا دلی پسر کینه از دشمنان انقلاب خلعمان به دادگاه بی‌آئیم. البته همراهی این هیئت بیطرف با ما نه بخاطر ترس از مرگ است (زیرا وصیت نامه ما ضمیمه مدارک میباشد) بلکه ما میدانیم، همچنانکه دوبار برای دستگیری بعضی از رفقای شهیدمان بخانه آنها رفته‌اید دوبار هم به استقبال ما خواهید آمد و سسری به اسرار جنایت پارتان افزود خواهد شد. ترس ما بخاطر نابودی حقیقت، بخاطر نابودی شرافت و انسانیت و بخاطر نابودی انقلاب خونینمان میباشد. اگر حساب مقامات ذصلاح جمهوری اسلامی پاک است، اعلام موافقت کنند. تا سیه روی شود هر که در او غش باشد!

ما عده‌ای از هواداران حزب توده ایران برای اثبات حقانیت حزب توده ایران، برای اینکه نگذاریم اسرار جنایت هولناک علیه رهبران حزبمان همراه جسدشان بیخاک سپرده شود، برای محکوم کردن عهد شکنی‌ها و خیانت به رسم وفاداری، و خنجر از پشت زدن آنها، برای نجات انقلاب از جنگال دشمنان، برای مبارزه بخاطر خلعمان و برای روشننگری از توهّمات احتمالی آنها به ایران می‌آئیم. البته نه از طریق کوهپنا و گردنه‌ها و اجرای عطیات قهرمان بازی، بلکه بخاطر جامه عمل پوشاندن به آرزوها و اجزای وصیت نامه سیاسی رفیق کبیرمان و دبیر اول محبوبمان، رفیق نورالدین کیانوری، به دادگاه می‌آئیم. ما حاضر هستیم که در ظرف ۲۴ ساعت همراه هیئت‌هایی از کشورهای بیطرف و غیر متحد مانند: هندوستان، الجزایر، سوریه، لیبی، کوبا، نیکاراگوئه و نمایندگانی از طرف احزاب برادر

مبادا انقلاب و دستاوردهای آن که طبعاً محصل تکامل قانونمند جامعه ایران و ریختن خون پاک دهها هزار جوان و وطنپرست ایران بدست آمده است، یکباره هیچ شود و برآینده خلق ایران دو- باره ابر سیاه و تاریک ارتجاع سایه بیاقتند؟! "

تودهای از هواداران حزب در نامه‌ای خطاب به زحمتکشان می‌نویسد:

" چه شده است که ساواکی‌های فساروی، خانواده منفور پهلوی، بنی‌صدر خائن و بختیار و رجوی فراری و رادوی باصطلاح وطن و سازما - نهایی جاسوسی سیا و موساد و اینتلجنت سر- ویس و سرمایه‌اران و طرفداران آنها در ایران به شادی و خوشنودی و پایکویی برخاسته‌اند و مجالس جشن بپا می‌کنند و بیگد یگر تبریک می- گویند؟ چه شده است که نیروهای مترقی و ضد- امپریالیستی جهان که جمهوری اسلامی را در مبارزه علیه استثمار و وابستگی در کنار خود میدیدند نگران آیند به جمهوری اسلامی؟ آیا غیر از این است که حزب توده ایران هدف شدیدی ترین حملات ناجوانمردانه قرار گرفته و رهبری حزب در خطر مرگ قرار دارد؟ آیا غیر از آنست که عده‌های آنقدر شوروی را مطرح کردند که آمریکا بطور کلی منسی شده است! خیره‌غیر از این در ایران واقعه‌های رخ نداده است. شادی آنان و نگرانی ایشان نیز گاملا قانونمند بوده و تاریخ نهضت کمونیستی جهان این حقیقت را تأیید می‌کند. "

در ادامه نامه، پس از تشبیه اتهام کهنسه " جاسوسی " به پیراهنی که ضد انقلاب می- خواهد به تن انقلابیون بکند، میخوانیم: " ولی این پیراهن آنقدر سوراخ دار و کهنه است که به تن این جهان مردان نمی‌مانند و لایق تن خود دوزندگان آن می‌باشد. "

رفیقی ضمن ارسال قسمتی از یک قطعه شعری آن مقدار که در حافظه‌اش مانده است، که ۳۵

سال پیش ویس از " انحلال " شاهانه حزب توده ایران و اعلام " غیر قانونی " بودن آن، توسط یکی از شغرای آن عصر سروده شده، می‌نویسد این دو مین بار است که ارتجاع حزب طبقه کارگر ایران را " منحل " و " غیر قانونی " اعلام می- کند، بار اول توسط منوچهر اقبال در سال ۱۳۱۷ و بار دوم توسط دادستان جمهوری اسلامی موسوی تبریزی در سال ۱۳۱۲.

غیر قانونی

- غیر قانونی است پتک کارگر
- غیر قانونی است داس برزرگر
- غیر قانونی است حزب توده‌های رنجبر
- غیر قانونی توئی و کارتوست
- غیر قانونی سیری پارسار توست
- غیر قانونی نشان و تاجهاست
- کزره ملت همی راهش جد است
- آنچه قانونی است راه حزب ماست
- حزب توده حزب انسان پرور است
- حزب انسانهای بیدار و نوین

شوخی نیست...

چند روز پیش با یکی از دوستان قدیمی که سنگ گروهای چپ رو را به سینه می‌زند گفتگویی داشتیم. بمن می‌گفت: " ببین دوست عزیز، ما از دو سال پیش می- گفتیم این حکومت علیه مردم است، اما شما و امثال شما بحرف ما گوش نکردید، این هم عاقبتان، ما که انقلابی بودیم از همان اول حرفمان را زدیم. باو گفتم: " پس از این قرار، رسیا و ساواک و اویسی و بختیار و آریانا و... از همه ما انقلابی تر بودند و ما نمی‌دانستیم! چون آنها از چهار سال پیش جلوتر از من و شما علیه این حکومت برخاسته بودند! "



همکاری استراتژیک ترکیه و عراق

در هفته گذشته خبرگزاریها خبری پایدن مضمون که ارتش ترکیه در مرز عراق با کردهای ترکیه برخورد نظامی داشته و در تعقیب آنها تا ۸۰ کیلومتر در خاک عراق نفوذ کرده است، منتشر کردند. تقارن زمانی این عملیات، که قربانیان آن با احتمال قوی کمونیستها و دموکراتهای عراق بوده اند، با حمله ضد انقلابیون و بعثیهای عراق به کمونیستها را جز بمعنای همکاری این دو رژیم برای سرکوب نیروهای دموکراتیک عراق که عدالت در کردستان مستقر هستند، نمی توان تفسیر کرد.

همچنین باید به این نکته توجه کرد، که امپریالیسم آمریکا از طریق ترکیه، کشور همسایه مساعراق را روز به روز بیشتر به حیطة عملیات استراتژیک خود در منطقه میکشاند.

همکاری و نزدیکی ایران با ترکیه و انعقاد قراردادهای اقتصادی وسیع با ترکیه کودتا زد،

به کشاندن هرچه بیشتر میهن انقلابی ما به حیطة نفوذ و عملکرد سیاسی - نظامی امپریالیسم پیسه سرکردگی امپریالیسم آمریکا منجر خواهد شد. آنها که روزی علیه آمریکا فریاد می زنند، امروز میهن ما را به خدمت منافع امپریالیسم می کشانند.

اتحاد شوروی بیکار نخواهد ماند

خبرگزاری تاس و روزنامه پراودا، اعلامیه دولت اتحاد شوروی را منتشر ساختند که در آن به دولت آمریکا هشدار داده است که دیگر مذاکرات خلیج سلاح در ژنوا به منظور حتی ساختن مسئله استقرار موشکهای میانبرد در خاک کشورهای اروپای غربی، به درازا نکشاند. در این اعلامیه آمده است: اتحاد شوروی ضروری میسازد تا مجدداً هشدار دهد که اگر موافقت نامهای در باره محدود ساختن سلاحهای اتنی در اروپا، که باید مسئله استقرار موشکهای جدید آمریکایی در اروپای غربی را منتفی سازد، منعقد نگردد، چیزی که تهدید جدید دیگری برای امنیت اتحاد شوروی و هم پیمانانش بشمار میآید، اتحاد شوروی در این عرصه نیز اقدامات عملی را انجام خواهد داد.

تصمیم آمریکا و ناتو مبنی بر استقرار موشکهای جدید آمریکایی در اروپا، اتحاد شوروی را مجبور میسازد تا تصمیم سال قبل خود مبنی بر خودداری یک جانبه از استقرار موشکهای میانبرد در بخشهای

اروپایی خاک خود را مورد بررسی مجدد قسرا دهد. چنانکه در اعلامیه گفته شده است باید همراه دیگر کشورهای عضو پیمان ورشوگامهای عملی برای استقرار سلاحهای مذکور در نظر گرفته شود تا توازن در مقابل تجمع سلاحهای آمریکایی در اروپای غربی برقرار شود. و دیگر باید در رابطه با خاک آمریکا نیز اقدامات متقابل عملی گردند. در اعلامیه گفته شده است که آمریکا در تمام مذاکرات پیرامون خلیج سلاح از سیاستی مخرب پیروی میکند. در این اعلامیه در باره "پیشنهادات" آمریکا آمده است که مخصوصاً پیشنهاداتی ارائه میشوند که غیر قابل قبول بودن آن برای اتحاد شوروی از قبل روشن است. اینکار فقط برای این انجام می شود تا راه حلهایی که برپایه اصول برابری و امنیت متقابل بی ریزی شده باشند جستجو نشوند.

مصادره ضد انقلابی

روزنامه اوپانیت، ضمن چاپ خبر تصمیم دولت برزیل به مصادره محموله سلاحهای اهداییسی لیبی به نیکاراگوئه که بوسیله چهار هواپیما از آسمان آن کشور عبور میکرد ماند به نقل از کنسلر فدافی رهبر لیبی می نویسد:

"لیبی حمایت خویش را از خلق نیکاراگوئه و سایر خلقهایی که برای آزادی و صلح و پیشرفت مبارزه می کنند اعلام می دارد."

بیانیه مطبوعاتی حزب کمونیست عراق

بقیه از صفحه ۱
است و اعلام کرده که مشغول تجهیز نیروهای خود برای رذن ضربه سختی به همکاران و سازشکاران با رژیم بعثی است. در این اعلامیه از اعضا و هواداران این سازمان خیانتکار (گروه جلال طالبانی) خواسته شده است که این سازمان را ترک گفته و به صفوف نیروهای لیبی حزب کمونیست میهن پیوسته و در راه سرنگونی دیکتاتوری فاشیستی و تشکیل یک دولت انقلابی

و دمکراتیک گرفتن خرید مختاری واقعی بسرای کردستان عراق بیدار کنند.

حزب کمونیست عراق
۱۱ ماه مه ۱۹۸۲

x جیبه دمکراتیک میهنی در اواخر سال ۱۹۸۰ تشکیل گردید. این جیبه شامل حزب کمونیست عراق، حزب دمکرات کردستان عراق، حزب سوسیالیست کردستان و حزب سوسیالیستی کرد است.

موج پشتیبانی بین المللی از حزب توده

بقیه از صفحه ۱۰
قطع پلادرنگ ششجهمهای اعمال شده در مورد رهبران و اعضای حزب توده ایران، موافقت با اعزام هیاتی مرکب از پزشکان، حقوقدانان و خبرنگاران، بمنظور ملاقات بسا نورالدین کیانوری و سایر زندانیان تودهای در زندان.

رفقای حزب کمونیست یونان به هیأت نما - یندگی حزب توده ایران اطمینان دادند که کمونیستها و کارگران یونان، همچنان همبستگی خود را با مبارزه قهرمانانه اعضای حزب توده ایران در این مرحله حساس حفظ خواهند نمود.

نشریه "اتحاد و مبارزه" متعلق به حزب کمونیست کارگری اسپانیا، صفحه همبستگی بین المللی شماره آوریل - مه خود را بنامسبت باز -

داشت رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول و کادرها و اعضای حزب توده ایران، بدرج مطالبی در این مورد اختصار داده و ضمن چاپ عکسی از رفیق کیانوری، بیانیهای را که به امضای بیش از ۷۰ حزب کمونیست و کارگری رسیده انتشار داده است.

کمیته مرکزی "حزب کمونیست اسپانیای متحد" و کمیته ملی جنبش کمونیستی آلمان کاتالونیا در اسپانیا، با ارسال نامه های اعتراضی به سفارت و دولت ایران، مراتب اعتراض شدید اعضای حزب و جنبش را نسبت به دستگیری و ابراد فشار به رهبری و اعضای حزب توده ایران اعلام داشته و با اشیاره پایین مطلب که افعالی چنین وحشیانه، تنها آب به آسیاب دشمنان انقلاب ایران می ریزد، آزادی فوری آنان را خواستار گردید ماب.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در استکهلم هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

رفیقی از بین ۵۰۰ مارك کمک مالی برای چاپ "راه توده" **۴۰۰۰ کرون** **۱۰۰۰ کرون**

RAHE TUDEH
No. 44
Friday, 3 June 83
Address: **Winfried Schwarz**
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England 30 P.
West-Germany	Belgium 22 Fr.
1 DM	Italy 600 L.
France 3 Fr.	U.S.A. 40 Cts
Austria 8 Sch.	Sweden 3 Skr.